

تأثیر آشنایی مادران با مفاهیم قرآن و حدیث در تربیت فرزندان

محمد تقی رفعت نژاد^۱، اشرف احمدیان قنات النوجی^۲

^۱ هیئت علمی دانشگاه پیام نور

^۲ کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور

چکیده

مقاله حاضر با هدف بررسی میزان تأثیر آشنایی مادران با مفاهیم قرآن و حدیث در تربیت فرزندان، در ابعاد شناختی، رفتاری و عاطفی تربیت کودک و به روش کتابخانه‌ای انجام شد. لذا برای جمع‌آوری اطلاعات با مراجعه به کتب تخصصی و منابع معتبر تفسیری و روایی و همچنین با بهره‌گیری از مطالب، مقالات و نظرات کارشناسان علوم قرآنی و علوم تربیتی و روانشناسی فیش‌برداری شد. منطبق بر یافته‌های پژوهش قرآن مجید، کتابی جامع در خصوص هدایت و تربیت نسل بشر می‌باشد و اصولاً یکی از اهداف نزول قرآن مجید، تربیت انسان‌ها است. لذا تأمل و تدبر در مفاهیم و آموزه‌های تربیتی قرآن مجید، و دقت در سیره اهل بیت علیهم‌السلام می‌تواند، راهگشای بسیار مهم و مؤثری برای مربیان تربیتی و به‌خصوص مادران در تعلیم و تربیت کودک قرار گیرد. از این جهت آشنایی مادران با مفاهیم و آموزه‌های تربیتی قرآن مجید و سیره اهل بیت علیهم‌السلام می‌تواند زمینه تربیت صحیح فرزندان را فراهم آورد نتایج نشان می‌دهد که در ادبیات به کاررفته در قرآن مجید بیشترین پیوند، با مسئله‌ی تعلیم و تربیت دیده می‌شود و در کلیه مراحل تعلیم و تربیت، به‌خصوص تربیت فرزند، امکان استفاده و بهره‌گیری از مفاهیم و آموزه‌های ناب تربیتی قرآن مجید وجود دارد؛ بنابراین مادران با بهره‌گیری از اصول و روش‌های تربیتی متناظر با آن، می‌تواند زمینه تعلیم و تربیت فرزند را در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری فراهم آورند.

واژگان کلیدی: مادر، تربیت کودک، آموزه‌های دینی، مفاهیم قرآن مجید، روایات ائمه مکرم اسلام علیهم‌السلام، ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری

مقدمه

تدبر در آیات و مفاهیم قرآن مجید نشان از این واقعیت و حقیقت بزرگ دارد که آیات قرآن مجید در عرصه های مختلف تعلیم و تربیت کاربرد فراوانی دارند، به طوری که با دقت و تعمق در آیات، می توان مفاهیم اساسی و ضروری تعلیم و تربیت را استخراج کرد. مبانی، اهداف، اصول و روش ها، که عمده عناصر فنی در باب آموزش و پرورش به عنوان یک رشته علمی، به ویژه در قلمرو اسلام به شمار می آیند، به آسانی از قرآن و روایات اسلامی به دست می آیند.^۱

از آنجایی که معمولاً مادران، در بین اعضای خانواده، به دلیل های عاطفی و اینکه بیشترین زمان را با فرزند خود می گذرانند، بیشترین نقش تربیتی را نیز در تربیت فرزند بر عهده دارند، کودکان نیز معمولاً به دلیل علاقه مندی و اعتماد بسیار زیاد نسبت به مادر، او را الگو و سرمشق زندگی خود قرار می دهند؛ بنابراین هر قدر آگاهی مادران نسبت به مباحث تربیتی، بیشتر شود می تواند میزان موفقیت آنان را در تربیت صحیح کودک افزایش دهد.

از آنجایی که قرآن مجید، نسخه منحصر به فرد از منابع اسلامی است که در حوزه های گوناگون در زندگی انسان ها و به خصوص مسلمانان کاربرد دارد، لذا تأمل و تعمق در مفاهیم آیات قرآنی در کلیه ابعاد زندگی بشر و به خصوص در بحث تعلیم و تربیت می تواند بسیار اثربخش و حتی لازم و ضروری باشد.

بنابراین هرچه میزان آشنایی مادران با مفاهیم قرآنی و آموزه های دینی بیشتر باشد، در تربیت صحیح فرزند موفق تر عمل خواهند نمود. افزایش تحقیقات قرآنی و روایات تربیتی امامان معصوم علیهم السلام و برنامه ریزی های هدفمند مادران در زمینه افزایش سطح آگاهی های تربیتی کودکان می تواند با بررسی دستورات صریح قرآن در واگذاری تربیت فرزندان به مادر و ارائه الگوهای موفق مادران مریبی در قرآن مجید از جمله مادر مریم، مادر عیسی (ع) و مادر موسی (ع) آغاز و در حوزه های رفتاری، شناختی و عاطفی اجرا گردد.

این امر می تواند سبب رسیدن به هدف های مقدس تربیتی در حد اعلا گشته و موجبات موفقیت پدران و مادران (به ویژه مادران) را در حوزه تربیت فراهم آورد. هدف این مقاله بررسی نقش آشنایی مادران با مفاهیم قرآنی و روایات ائمه مکرم اسلام علیهم السلام در تربیت فرزند است. به نظر می رسد تربیت کودک توسط مادر در نظام خانواده، می تواند تحت تأثیر مفاهیم قرآنی و روایات ائمه مکرم اسلام علیهم السلام به بهترین شکل ممکن صورت پذیرد. از این جهت آشنایی مادران با مفاهیم قرآنی و سیره عملی و روایات ائمه مکرم اسلام علیهم السلام در نظام خانواده می تواند در ابعاد مختلف شناختی، عاطفی و رفتاری بر تربیت فرزند در حوزه های تربیتی فردی، اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی و اخلاقی تأثیر گذار باشد. در این پژوهش با بهره گیری از شیوه توصیفی-تحلیلی، به بررسی نقش آشنایی مادران با مفاهیم قرآنی و روایات ائمه در تربیت فرزندان از دیدگاه قرآن کریم و منابع روایی پرداخته شده است. از آنجایی که با عنایت به تعریف پژوهش های توصیفی، این تحقیق به دنبال چگونگی اثربخشی مفاهیم قرآنی و روایات ائمه مکرم اسلام علیهم السلام بر ایفاء نقش مادران در تربیت فرزندان می باشد، می تواند در زمره تحقیقات توصیفی قرار گیرد. معمولاً مهم ترین ابزار در جمع آوری داده ها و اطلاعات مورد نیاز در پژوهش ها بحث بررسی وسیع منابع و مآخذ مورد تأیید می باشد، لذا روش انجام پژوهش کتابخانه ای انتخاب گردید.

با توجه به موضوع پژوهش «بررسی تأثیر مادران با مفاهیم قرآن و حدیث در تربیت فرزندان» و با توجه به جستجوهای صورت گرفته در خصوص موضوع مورد تحقیق، پژوهشی که انطباق کامل با موضوع مورد بحث داشته باشد یافت نگردید؛ اما نتیجه فعالیت های صورت گرفته در این زمینه حاکی از پژوهش هایی است که در زمینه نقش تربیتی قرآن مجید در تربیت فرزند و یا موضوعاتی مربوط به جایگاه روایات امامان معصوم علیهم السلام در تربیت کودک و یا پژوهش هایی که تا حدودی با موضوع تحقیق مشابهت

^۱. محمد احسانی، زبان قرآن و تعلیم و تربیت، نشریه معرفت، ۱۳۸۷، شماره ۱۳۰

دارند اشاره می‌گردد:

لذا توصیه می‌گردد در خصوص آشنایی با مفاهیم قرآن مجید و روایات امامان معصوم علیهم‌السلام در افزایش آگاهی و سطح علمی مادران در مباحث تربیتی دنبال شود.

۱. هاشمی، حسین (۱۳۸۶)، «قرآن و نقش تربیتی مادر در خانواده»، نشریه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۴۹ و ۵۰، ویژه نامه قرآن و خانواده

در این مقاله؛ نویسنده به نقش تربیتی مادران در نهاد خانواده می‌پردازد. لذا به نقش‌های مختلف زنان در حوزه فرزندپروری (دختر بودن)، همسری و مادری اشاره می‌کند.

مؤلف در این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که قرآن کریم بالاتری سطح ستایش خود را از زنان در نقش مادری دارد، به طوری که تربیت فرزندان را با توجه به ویژگی‌های فطری و عاطفی مادران در خانواده بر عهده آنان قرار داده است.

به اعتقاد نویسنده حصول نتیجه کامل از دیدگاه قرآن کریم به دو روش امکان‌پذیر است و به تأکیدات و سفارشات صریح قرآن کریم در سپردن مسئولیت تربیت فرزندان به مادران و ارائه الگوهای قرآنی مادران موفق در حوزه تربیت اشاره می‌کند که عبارتند از: مادر حضرت مریم (س)، مادر حضرت عیسی (ع) و مادر حضرت موسی (ع). نویسنده در نهایت به ذکر این نکته پرداخته است که علت تمجید و تکریم قرآن از مادران، به علت ایفای نقش مهم و سرنوشت‌ساز مادر در تربیت فرزند و تربیت و پرورش نسل آینده جامعه می‌باشد.

این مقاله به بررسی نقش تربیتی مادران در تربیت فرزندان در خانواده پرداخته و سعی می‌کند، به ارزش والای مادر بودن و ممتاز بودن زنان جامعه از این دیدگاه بپردازد.

لذا با توجه به حجم سنگین مسئولیت مادری، در این پژوهش به صورت موجز به تبیین این مسئله می‌پردازد و لذا نتوانسته به مقوله ابعاد تربیتی از دیدگاه روانشناسی بپردازد. نویسنده در این مقاله قادر به ارائه نقش‌های مادران را در حوزه‌های روان‌شناختی از جمله حوزه معرفتی، حوزه عاطفی و حوزه رفتاری نبوده است. لذا در این پژوهش تلاش خواهد شد، ایراد ذکر شده برطرف گردد و به صورت واضح و گسترده به نقش تربیتی مادران در تربیت فرزندان از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام پرداخته شود.

۲. خیری یوسف، نعمتی جواد، ساجدی اکبر (۱۳۹۹)، نقش مادر در تربیت کودک از منظر آموزه‌های اسلامی. علوم اسلامی انسانی

مؤلف در این پژوهش که با روش تحقیق کتابخانه‌ای و جستجو در آیات قرآن و روایات اسلامی انجام شده است، به نقش مادر در تربیت کودک از منظر آموزه‌های اسلامی پرداخته و اعتقاد دارد که نقش مادر در تربیت کودک به دلیل ارتباط تکوینی و میزان تأثیر بسیار زیاد مادر با سایر عوامل و شاخص‌های تربیت قابل مقایسه نیست؛ بنابراین در این مقاله ضمن تعریف دقیق برخی از مفاهیمی از جمله تربیت، تعلیم، استعداد و کودک، مسائلی را که لازم است در تربیت کودک مورد دقت نظر قرار گیرد را مطرح و مورد نقد و بررسی قرار داده است. مباحثی از جمله توجه به روح و روان کودک، توجه به حوزه‌های سلامت جسمانی و تغذیه‌ای کودک، توجه ویژه به رشد و پرورش صفات مفید و شایسته در کودک، هدفمند کردن تربیت و جهت‌دادن به افکار کودک و...

مؤلف در این پژوهش تأکید می‌کند که مادر لازم است قبل از تربیت کودک، شرایط مهمی از جمله آگاهی و اطلاع از روش‌های و شیوه‌های نوین تربیتی و معارف قرآنی، خودسازی، برخورداری جهان‌بینی گسترده، جنبه‌الگوی، داشتن سعه صدر و صبر و حوصله فراوان، قاطعیت و اقتدار در برخورد با کودک و... را دارا باشد.

این پژوهش نیز به تبیین و بررسی نقش مادران در تربیت کودکان می‌پردازد، که از این حیث با پژوهش اینجانب هم‌راستا و هم‌جهت است. اما در این زمینه، بیشتر به طرح مباحث کلی

از جمله نظر اسلام در خصوص مراحل تربیت کودک شامل مراحل پیش از تولد، حین تولد و پس از تولد پرداخته و مرحله پس از تولد را نیز به سه دوره هفت ساله تقسیم بندی نموده و ویژگی‌ها و خصوصیات هر دوره را مطرح کرده است.

در صورتی که این مقاله کمتر به تبیین مسائل تربیتی و رشد اخلاقی کودکان با بهره‌گیری از مفاهیم قرآن کریم و نقش آشنایی مادران با مفاهیم قرآنی در تربیت کودک پرداخته است که این نقیصه در پژوهش اینجانب مرتفع می‌گردد.

۳. بهمنی، روحیه (۱۳۸۸)، پایان نامه ارشد با عنوان: بررسی نقش مادر در تربیت دینی فرزند از دیدگاه قرآن و روایات، دانشگاه علامه طباطبایی

در این پژوهش نیز که با روش تحقیق، توصیفی تحلیلی انجام شده است، مؤلف به بررسی دیدگاه‌های قرآن و روایات در مورد نقش مادر در تربیت دینی، از دوران قبل از تولد تا پس از تولد می‌پردازد.

مؤلف در این پژوهش سعی می‌کند به بررسی نقش مادر در تربیت دینی فرزند در دوره‌های قبل و بعد از تولد از دیدگاه قرآن و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام بپردازد؛ و به این مطالب دست یافته است که از دیدگاه آیات و روایات در مرحله قبل از بارداری نقش وراثتی مادر از جهت اخلاقی، هوشی، رفتاری و خانوادگی در تربیت دینی فرزند موثر است. تغذیه مادر در دوران قبل از بارداری و شدت و حدت مراقبت از خود در تربیت دینی فرزند می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. در دوران بارداری نیز عوامل متعددی از جمله ایمان و اعتقاد مادر، اخلاق و تقوا و حتی نوع تغذیه مادر بر کودک اثر دارد.

اما در دوران کودکی فرزند، ایمان و تقوای مادر و همچنین نوع تغذیه مادر می‌تواند در شیر کودک نقش داشته باشد. لذا پس از این مرحله است که مادر می‌تواند در رشد و گسترش اعتقادات، اخلاق و رفتار فرزندش نقش بسزایی داشته باشد.

در این پژوهش نیز کمتر به مقوله تربیتی از دیدگاه آشنایی مادران با مفاهیم قرآنی و نقش آن در تربیت کودک پرداخته شده و مؤلف سعی دارد از جنبه‌های دیگر به بررسی نقش مادر در تربیت کودک بپردازد؛ و این در حالی است که مادران دارای جایگاه گسترده‌ای از نقش‌های مؤثر تربیتی با کودکان هستند که در این پژوهش سعی خواهد شد به ابعاد مختلف تربیت کودک و نقش مادران از دیدگاه روانشناسی و دینی پرداخته شود.

۴. فاضلی مهرآبادی، مهدی و صابکی، معصومه (۱۳۹۹)، واکاوی چگونگی نقش مادر در تربیت دینی فرزندان از دیدگاه روانشناسی و قرآن، پنجمین همایش بین‌المللی افق‌های نوین در علوم تربیتی، روانشناسی و آسیب‌های اجتماعی، تهران

هدف مؤلف از انجام این پژوهش نیز که با روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر شیوه کتابخانه‌ای، انجام شده است، بررسی و واکاوی چگونگی نقش مادر در تربیت دینی فرزندان از دیدگاه روانشناسی و قرآن می‌باشد که از نظر موضوعی به موضوع مورد پژوهش اینجانب نزدیک است؛ اما مؤلف در این پژوهش سعی کرده است به بررسی پژوهش‌های معاصر در شیوه فرزندپروری، از مطالعات بایمرند درباره کودکان و خانواده‌های آنان بپردازد. مؤلف از مهم‌ترین نقش‌های مادر را تربیت دینی کودک خود می‌داند و بر این نکته تأکید دارد که بیشترین ارتباط کودک با مادر بوده و مادر برای فرزند، نمونه اخلاق و رفتار می‌باشد و کودک شیوه و فلسفه زندگی را برای اولین بار از مادر خویش می‌آموزد.

اگر چه این پژوهش از نظر موضوعی بسیار شبیه موضوع مورد پژوهش اینجانب می‌باشد، اما تفاوت‌ها کلی در ساختار موضوع مورد پژوهش اینجانب دیده می‌شود. این پژوهش بیشتر به بررسی و تبیین کارکردهای زن در نقش مادری در اسلام شامل تأثیر غذای مادر بر جنین، ایجاد فضای معنوی، شیر مادر، عاطفه مادری، تربیت اخلاقی، عدم تنبیه فرزندان، توجه به رشد جنسی کودک، برابری انسانی والدین و فرزندان، صبر، پرورش باورهای دینی، گذشت مادر، و معرفی بهترین الگوهای تربیت دینی فرزندان از جمله توجه و تدبیر در سیره زندگی حضرت فاطمه (س) می‌پردازد، بنابراین کمتر به نقش آشنایی با مفاهیم قرآنی و روایی مادر در تربیت کودک پرداخته که این کاستی نیز در پژوهش اینجانب مرتفع خواهد شد.

قرآن در لغت:

کلمه ی «قرآن» مصدر است؛ مانند: رجحان، کفران، فرقان، نقصان و...^۲ لغت شناسان درباره لفظ «قرآن» چند معنا بیان کرده اند که به تبیین دو معنا اکتفا می‌شود:

۱. قرآن، به معنای «جمع و گردآوری»؛ کسانی که به این معنا قائلند، در آیه: (إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ)^۳ کلمه ی «جمعه» و «قرآن» را مترادف و هم معنا می‌دانند^۴ در وجه نام گذاری آن به «قرآن» گفته اند: چون قرآن جامع فواید کتاب‌هایی است که از سوی خدا نازل گشته (تورات، انجیل، زبور و...)، بلکه جامع فواید همه علوم می‌باشد؛ همان گونه که قرآن خود به این مطالب اشاره دارد؛ مانند: (تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ)^۵ و (تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ).^۶ بر این اساس قرآن گردآورنده علوم گذشتگان و آیندگان می‌باشد، اعم از علوم معنوی - که متعلق به انبیا و گذشتگان بوده است - و علوم مادی و تجربی و دنیوی. شاید وجه تسمیه ی «قرآن» این باشد که در این کتاب الهی، حروف و الفاظ به گونه ی ویژه ای با هم گرد آمدند و با هم ارتباط دارند، از این رو، قرآن نامیده شده است. (نهایه)

۲. قرآن، به معنای «خواندن»^۷؛ اگر این معنا را بپذیریم، آیه ی: (انّ علینا جمعه وقرانه)^۸ به این معناست: «همانا پیوسته کردن اجزای آن به یکدیگر و خواندن آن بر تو، به عهده ی ماست»^۹ طبق این معنا، کتاب آسمانی مسلمانان به اعتبار آن که «خواندنی» است، «قرآن» نام گرفته است.^{۱۰} برای قرآن، تعریف‌های زیادی ارائه شده که هر کدام از این تعریف‌ها، ویژگی خاص خودش را دارد؛ از جمله: «قرآن عبارت است از کلام الهی که خداوند آن را به تدریج بر حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) خاتم پیامبران - به زبان عربی و لهجه ی قریش، نازل کرده است... آیه ای از آن، قرآن گفته می‌شود، حتی بخشی از یک آیه نیز قرآن است.»^{۱۱}

آنتونی گیدنز خانواده را گروهی از افراد می‌داند که با ارتباطات خویشاوندی مستقیماً پیوند یافته و اعضای بزرگسال آن مسئولیت مراقبت از کودکان را بر عهده دارند. پیوندهای خویشاوندی ارتباطات میان افراد است که یا از طریق ازدواج برقرار شده، یا از طریق تبار است که خویشاوندان خونی را با یکدیگر مرتبط می‌سازد.^{۱۲}

۲. ابن منظور، لسان العرب، ماده «قرأ»؛ مرکز معارف قرآنی، علوم القرآن عندالمفسرین، ج ۱، ص ۲۲.

۳. قیامت، ۱۷. «چرا که جمع کردن و خواندن آن، به عهده ی ماست.»

۴. راغب اصفهانی، مفردات، ماده قراء؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ذیل آیه ۱۷، سوره ی قیامت.

۵. یوسف، ۱۱۱. «این قرآن شرح هر چیزی؛ که به سعادت انسان مربوط است. می‌باشد.»

۶. نحل، ۸۹. مابین کتاب را نازل کردیم که بیانگر همه چیز باشد.

۷. علوم القرآن عند المفسرین، ج ۱، ص ۲۲.

۸. قیامت، ۱۷.

۹. محمد قریب، فرهنگ لغات القرآن، ماده «قراء»

۱۰. حسن رضا رضایی، بررسی شبهات قرآن و فرهنگ زمانه، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۸۲

۱۱. علامه عسگری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۱، ص ۲۶۱.

۱۲. آنتونی گیدنز، جهان رهاشده، ص ۴۲۴

تعریف مادر:

مادر، در واقع محوریت انسجام خانواده بوده و تربیت کودکان را با توجه به فضای آرام و مملوم از عاطفه و اخلاق بر عهده دارد.

تعریف کودک:

مقصود از کودک، انسانی است که از نظر سنی هنوز به سن بلوغ نرسیده و تحت حمایت افراد بزرگ تر و یا به عبارت بهتر پدر و مادر و یا ولی و قیم خود قرار دارد.^{۱۳} کودک لسان عرب صبی، صغیر و طفل نامیده می‌شود.^{۱۴} و در ادب فارسی، کودک به معنی کوچک و فرزند پسر و یا دختری که به سن بلوغ نرسیده می‌باشد.^{۱۵}

علل توجه زیاد قرآن مجید به مسئله‌ی تعلیم و تربیت:

اهتمام به این مهم نشأت گرفته از اموری است که فهرست وار بیان می‌شود روی این اساس می‌بینیم هدف نهایی برای رسالت پیامبران، تزکیه و تربیت انسانها و رساندن آنان به درجات متعالی و مقام خلیفه‌اللهی در روی زمین، معرفی شده است؛ بنابراین پیامبران، هم آموزش‌دهنده هستند و هم رشد دهنده. حال با عنایت به علل ذکر شده، معلوم می‌شود چگونه پروردگار عالم وظیفه‌ای بس سنگین بردوش فرستادگانش قرار داده است و از سوی دیگر وقتی به آیات مورد بحث نظر می‌افکنیم در می‌یابیم که هر دو مسأله «تعلیم و تربیت» در کنار هم تبیین شده است؛ که خود بیانگر مزید اهمیت است.

یکی از مباحث مهمی که میان صاحب نظران امر تعلیم و تربیت مطرح است پیش داشتن آموزش یا رشد بر دیگری است که در این زمینه چند نظر ارائه شده است.

۱- برخی معتقدند هیچ‌کدام بر دیگری پیشی ندارد، بلکه در حقیقت، تعلیم و تربیت دو صنفند که باهم در حال تعامل و تأثیرپذیری از همدیگرند، هنگامی که تعلیم افزون یابد تربیت نیز فزونی یابد و بالعکس؛ بنابراین چنین نمی‌توان گفت که تربیت بر تعلیم فضیلت دارد؛ و اگر در سه آیه (سوره بقره/۱۵۱، آل عمران/۱۶۴ و جمعه/۲) موضوع تربیت مقدم شده، شاید اشاره به جنبه اهمیت آن دارد.

۲- عده‌ای گفته‌اند: آیه ۱۲۹ سوره بقره که بیانگر تقدیم تعلیم بر تربیت است در ارتباط با دعا و درخواست ابراهیم از خداوند است که تحقق علم به کتاب و حکمت و تزکیه در خاندانش می‌باشد، از طرفی علوم و معارف در مرحله تحقق از جهت رتبه مقدم بر تربیت هستند که مربوط به اعمال و اخلاق است، بنابراین در این آیه، اشاره به وضع طبیعی در یادگیری و سپس تربیت، شده است ولی در آیات دیگر که تربیت مقدم گردیده، اشاره به هدف و دلیل غایی برای تعلیم است چرا که هدف نهایی تمام پیامبران، پاک نمودن انسان از عقاید فاسد و کارهای ناشایست و رساندن او به کمال معنوی بوده است.

۳- باید توجه داشت که تربیت گاهی در مورد افرادی است که در ذهنی پاک و صاف دارند در اینجا آموزش مقدم است، ولی همیشه این گونه نیست که اگر فرد دارای اخلاق رذیله شده باشد می‌بایست ابتدا به تربیت پرداخت و سپس آموزش را شروع کرد چرا که در غیر این صورت خود آموزه‌های سلاحی است برای تخریب به جای عوامل سازندگی.

در نتیجه می‌توان گفت از نظر قرآن تربیت بر تعلیم مقدم است، هرچند «تعلیم» رابطه‌ای بسیار قوی در شکل‌گیری یک تربیت سالم دارد و نمی‌شود از تأثیر آن بر نوع تربیت چشم‌پوشی کرد ولی تنها آموزش به عنوان هدف نهایی برای بعثت پیامبران قلمداد نمی‌گردد.

¹³. David. 1980 p211. M. Walker

^{۱۴}. خلیل جَر، فرهنگ عربی - فارسی لاروس، ج ۲، ص ۱۳۰۸

^{۱۵}. محمد معین، فرهنگ فارسی، ص ۳۱۱۷

نقش آموزش قرآن در تربیت کودک از نگاه ائمه مکرم اسلام علیهم السلام:

آموزش قرآن و حکمت بعد از سوادآموزی و آموزش خط مطرح شده است. آن طور که تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام مشخص می‌سازد. «در صدر اسلام در مکتب‌خانه‌ها، تعلیمات مقدماتی، یعنی خواندن و نوشتن و حساب ساده و اندکی شعر و تاریخ و قرآن و حدیث به شکل ساده آموزش داده می‌شد».^{۱۶} بدون شک، اساس سیره تربیتی امامان معصوم علیهم السلام برگرفته از سیره نبوی است. بنابراین، زمانی که امام علی (ع) به فرزند خود امام حسن (ع) می‌فرماید: «تعلیم و تربیت تو را با آموزش کلام خدا آغاز کردم»^{۱۷}، نشان می‌دهد که این مرحله آموزش از لحاظ موضوع و محتوا، بعد از سوادآموزی اولیه است که از سیره نبوی اکرم (ص) درباره خود حضرت (حضرت علی (ع)) و نیز درباره اطرافیان و یاران اولیه خویش گرفته می‌شود.^{۱۸}

ضرورت تربیت فرزند صالح از نگاه آیات و روایات:

تربیت، مجموعه روش‌ها و راهکارهایی است که از آغاز زندگانی انسان، به کار گرفته شده است تا او در مسیر صحیح رشد و ترقی قرار گیرد و در پرتو این آموزش‌ها، بتواند خود را از انحراف نجات دهد و راه سعادت و کمال را در پیش گیرد. بانگاهی هر چند اجمالی به آیات و روایاتی که در مورد فرزند وارد شده، می‌توان به نگرش عمیق اسلام درباره فرزند و جایگاهش در اندیشه اسلامی پی برد. فرزندان نعمت‌های الهی نزد والدین اند، هم می‌توان آنان را بر انجام اعمال ناشایست و خلاف فطرت الهی شان به خاک ذلت و پستی نشانند.

قرآن کریم، فرزند را وسیله‌ای برای آزمایش انسان قلمداد می‌نماید:

«انما امولکم و اولدکم فتنه و ان الله عنده اجر عظیم»^{۱۹}: بدانید که اموال و فرزندان شما وسیله آزمایش شما هستند، و نزد خدا پاداشی عظیم و بزرگ خواهند داشت.

در صورتی که انسان از این امتحان و آزمایش الهی سربلند بیرون بیاید، دارای اجر عظیمی از جانب آفریدگار متعال خواهد بود. با تربیت درست فرزند است که او قادر است، کمک کار و یاور پدر و مادر باشد. در سیره اهل بیت علیهم السلام موضوع تربیت فرزند از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از کوچکترین مسایل گرفته تا پیچیده ترین مباحث تربیتی با اصول و روش‌های صحیح، الگویی مناسب و بسیار سازنده برای رهروان خود در همه اعصار هستند.

با توجه به این سیره، انسان متوجه استفاده آن مشعل‌های هدایت از روش غیرمستقیم همراه با شخصیت دادن به کودکان و نوجوانان و... و همچنین تقسیم عادلانه محبت در دل‌های پاک آنان می‌شود؛ بنابراین بسیاری از مشکلات تربیتی ما حاکی از عدم رعایت و پایبندی به اصول ناب و نورانی تربیت اسلامی است که تلاش و تأسی والدین از این ذوات نورانی را هر چه بیشتر می‌طلبند.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: *مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ*^{۲۰}؛ یکی از خوشبختی‌های مرد این است که فرزندان داشته باشد که کمک کار و یاور او باشند.

^{۱۶}. سیدعلی حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، ج ۱.

^{۱۷}. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

^{۱۸}. محمد مزیدی، راضیه شیخ‌الاسلامی، مبانی وجودشناختی و انسان‌شناختی روش‌های تربیتی انسان از دیدگاه قرآن و سیره پیامبر اعظم (ص)، بهار و تابستان ۱۳۸۸، شماره ۱.

^{۱۹}. سوره انفال، آیه ۲۸.

^{۲۰}. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲۲۶۱۲، ج ۱۴.

با تربیت اسلامی است که فرزند، میوه دل و نور چشم و دسته گلی از گل های بهشت و باقیات الصالحات و الدین خواهد بود. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: **الْوَلَدُ الصَّالِحُ رِيحَانَةٌ مِنَ اللَّهِ، قَسَمَهَا بَيْنَ عِبَادِهِ؛**^{۲۱} فرزند شایسته، دسته گلی است از جانب خداوند که میان بندگانش قسمت می کند.

هم چنین آن حضرت فرمود: **إِنْ لِكُلِّ شَجَرَةٍ ثَمَرَةٌ، وَ ثَمَرَةُ الْقَلْبِ الْوَلَدُ؛**^{۲۲} همانا هر درختی میوه ای دارد و میوه دل، فرزند است. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) فرموده اند: **الْوَلَدُ الصَّالِحُ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيَّاحِينَ الْجَنَّةِ؛** فرزند صالح گلی است از بوستان بهشت.^{۲۳}

هم چنین فرمودند: **مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ الْوَلَدُ الصَّالِحُ؛** فرزند صالح نشانه خوشبختی فرد است.^{۲۴} امام صادق (علیه السلام) نیز فرمودند: **مِيرَاثُ اللَّهِ مِنْ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ الْوَلَدُ الصَّالِحُ...؛** میراث خداوند به بنده مؤمنش فرزند صالح است.^{۲۵}

اصول حاکم بر روش های تربیتی - رفتاری مادر از نگاه آیات و روایات:

اصول و روش های رفتاری تربیتی:

۱. اصل تربیتی عزت نفس و عزت بخشی به کودک:

یکی از اصول تربیتی برگرفته از مفاهیم قرآنی، بحث تکریم و عزت بخشی به کودک است. از آنجایی که پایه و مبنای تربیت، عزت و عزت بخشی است، لذا بسیار اهمیت دارد که کودک بر پایه عزت مندی و با عزت نفس بالا پرورش یابد؛ زیرا در این صورت است که همواره می تواند در طول دوران زندگی و در مواجهه با سختی ها و ناکامی ها ثابت قدم باشد.

بنابراین عزت نفس را می توان از جمله شاخص های مهم تربیتی و حتی انسانی دانست که مادران با آشنایی با آن می توانند زمینه های رشد و ترقی را در خود و زمینه تربیت پذیری بر اساس فاکتورهای اسلامی و قرآنی را برای کودک خود فراهم آورند.

در واقع عزت نفس را می توان به مفهوم توانایی و قدرت، تکریم و ارجمندی معنا کرد، که این امر ریشه در ذات و فطرت انسان دارد و همواره انسان را در دوره های مختلف زندگی از چیره شدن احساس شکست و ناکامی براو مصون می دارد.

لذا است که این اصل می تواند در حوزه رفتاری بسیار مورد توجه مادران مؤمن و آشنا با مفاهیم قرآنی، در تربیت کودک قرار گیرد؛ بنابراین از این مادران انتظار می رود که با رفتارهای سنجیده و برنامه ریزی شده مبتنی بر تربیت اسلامی و مفاهیم قرآن کریم، موجبات رشد و تقویت عزت نفس را در کودک خود فراهم آورند و از انجام رفتارهایی که سبب از بین رفتن عزت نفس کودک می شود، بپرهیزند. لازمه این نوع تربیت، رسیدن مادران به این باور است که احساس حقارت و خواری در افراد، ریشه تمام ناکامی ها است که سبب تضعیف عزت نفس در افراد می گردد.

از این رو می توان گفت که تقویت عزت نفس در کودک می تواند از جمله راهکارهای تربیتی مؤثر در بروز رفتارهای تربیتی مطلوب در آنان باشد. این امر در نهایت منجر به اصلاح و تربیت جامعه به سوی اهداف مقدس تربیتی برگرفته از مفاهیم قرآنی خواهد شد.

۲۱. همان، ج ۲۲۶۳۵.

۲۲. همان، ج ۲۲۶۰۸.

۲۳. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۹۷.

۲۴. همان.

۲۵. همان.

از این جهت مادر مؤمن و آشنا با مفاهیم قرآنی، به دلیل اهمیت پرورش و تقویت عزت نفس در کودکان، این امر را از آغاز دوران کودکی فرزند خویش در اولویت فعالیت های تربیتی خود قرار می دهد. به طوری که سیره ائمه معصومین علیهم السلام نیز بر این امر تأکید دارد؛ زیرا ائمه نیز همواره در تربیت فرزندان خود، بر تقویت عزت نفس، قدرت مندی، و شجاعت کودکان خود اصرار داشتند.

از جمله می توان به نحوه پرورش و تربیت حضرت ابراهیم علیه السلام در دوران کودکی اشاره کرد.

حضرت ابراهیم علیه السلام در دوران کودکی تربیت صحیح و مطلوب را از مادر خود آموختند و به درجه ی مقام نبوت نائل آمدند. بهره مندی از عزت نفس بالای حضرت ابراهیم علیه السلام سبب شد که این پیامبر بزرگ الهی بتوانند با قدرت و شهامت هر چه بیشتر به مبارزه با بت پرستی بپردازند و شهامت شکستن بت های کافران را داشته باشند.

در اصل عزت نفس، مادر کودک را به این یقین می رساند که عزت نفس انسان از محبوب شدن در نزد خداوند به دست می آید و اگر انسان در نزد خداوند محبوب شود، از بدی ها و کج روی ها دور خواهد ماند. انسانی که پیش خداوندگار خویش محبوب باشد، از شر شیاطین هم در امان خواهد بود و اسیر دست شیطان نخواهد شد. انسانی که از مواهب عزت نفس برخوردار باشد، در مواجهه با خطاها و خواهش های نفسانی، انسانی محکم و با قدرت است.

البته عکس این مطلب هم صادق است، به این معنا که اگر مادر نتواند زمینه های رشد و پرورش عزت نفس را در کودک خود فراهم کند و کودک بهره چندانی از عزت نفس نبرد، در برابر انواع آسیب های اجتماعی و اعتقادی، بسیار شکننده و ضعیف خواهد بود و ممکن است تن به بسیاری از کج روی ها و نافرمانی های مدنی داده و در دام شیاطین قرار گیرد.

۲. اصل تربیتی تأثیر ظاهر در باطن:

یکی دیگر از اصول تربیتی اصل تغییر ظاهر می باشد که زمینه ایجاد و انسجام شخصیت کودک را به وسیله عوامل کلامی و غیرکلامی و رفتارهای کودک را فراهم می آورد. این اصل تربیتی مبتنی بر روش ظاهر سازی یا اصلاح ظاهر می باشد. این اصل متبیین آن است که ظاهر انسان می تواند بر باطن وی نیز اثرگذار باشد؛ بنابراین از جمله اصول و قاعده های عمومی که نیاز است در تربیت کودک به آن پرداخته شود توجه به اصل ظاهر سازی می باشد.^{۲۶}

مادر مؤمن و آشنا با مفاهیم قرآنی، لازم است به بحث ظاهر کودک خود و نوع ظاهر سازی وی توجهی خاص داشته باشد و در زمینه تربیت روحی وی باید طوری ظاهر کودک را برنامه ریزی کند که این ظاهر بتواند تأثیرات مثبتی بر باطن کودک داشته باشد. نمونه های ظاهر را می توان در رفتارهای ظاهری کودک از جمله طرز و نوع نگاه کردن به دیگران، زاویه دید وی نسبت به دوستان و همسالان، نوع ادبیات و سخن گفتن وی و حتی گاهی به جا و سنجیده بتواند سخن نگوید و یا سخن بد و دور از شأن نگوید. این موارد مثال های دیگری را نیز دربردارد مثل نحوه غذا خوردن، طرز خندیدن، نحوه بروز احساسات و عواطف و... این نمونه ها می توانند طوری برنامه ریزی شوند که سبب برانگیختگی احساسات و عواطف درونی کودک گردند

در واقع مادر آشنا به مفاهیم تربیتی و آموزه های قرآنی باید بتواند در عمل کودک خود را با این واقعیت مهم آشنا کند که نتایج اعمال نامطلوب ظاهری انسان، بتدریج با می تواند روح و باطن انسان را نیز تحت الشعاع قرار داده و ضمیر پاک انسان را به سمت تباهی و آلودگی رهنمون سازد. فرد گناهکار نیز دیگر توجه زیادی نسبت به پروردگار خویش نخواهد داشت.

^{۲۶}. خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ۱۳۹۷، ص ۹۱

از جمله نمونه های عملی اصل تغییر ظاهر در سیره ائمه معصومین، به کرات در رفتار پیامبر بزرگوار اسلام دیده می شود. به طوری که امام صادق علیه السلام در این خصوص می فرماید:

پیامبر اسلام (ص)، در ظاهر روشی داشتند که همواره مانند بندگان غذا می خوردند و مانند بردگان می نشستند و این خصلت به دلیل فروتنی نسبت به خداوند تبارک و تعالی بود.^{۲۷}

پیامبر (ص) به این دلیل بر حفظ ظاهر تأکید و سفارش می کردند و خود نیز بر حفظ ظاهر اصرار می ورزیدند که به دیگران بفهمانند که ظاهر انسان می تواند در باطن، روح و ضمیر ناخودآگاه فرد تأثیرات قابل توجهی داشته باشد.^{۲۸}

در دین مبین اسلام و توجه و تدبر در مفاهیم آیات قرآن کریم و توجه به روایات ائمه معصومین علیهم السلام، سفارشات مؤکدی بر اصلاح ظاهر یافت می گردد.

به طوری که در قرآن کریم آمده است:

«قل ما یعبوا بکم ربی لولا دعائکم».^{۲۹}

اگر مرا نخوانید، به شما عنایتی نخواهم کرد.

اثر ظاهر بر باطن منحصر به کلیه اعمال خوب و بد می گردد، بنابراین آثار رفتارهای نامطلوب و سخنان نسنجیده و زشت می توانند بر روح انسان نیز اثر نامطلوب بگذارند.

این مطلب در قرآن کریم نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

به طوری که لقمان به فرزندش می فرماید: «ولا تمش فی الارض مرحا».^{۳۰}

غرور و تکبر، نقشی است بر ظاهر، که نتیجه آن می تواند سنگدلی و فرعونی شدن دل باشد.^{۳۱}

اثر ظاهر بر باطن در روایات ائمه معصومین علیهم السلام نیز دیده می شود و سفارشات زیادی در زمینه توجه و اصلاح ظاهر شده است:

امام علی علیه السلام در این خصوص می فرماید:

اگر بردبار نیستی خود را بردبار جلوه ده، چه اندک پیش می آید که کسی خود را شبیه به گروهی سازد و جزء آنان نشود.^{۳۲}

بررسی تأثیر ظاهر بر باطن از آنجایی ضرورت دارد که تربیت و یا به طور کلی اصول اخلاقی یک شبه بدست نمی آیند بلکه با تمرین و ممارست انسان می تواند به مراتب بالای اخلاقی دست پیدا کند؛ اما انسان دارای دو بعد ظاهر و باطن توأمان است، به طوری که ظاهر و باطن وی ارتباط مستقیم با یکدیگر دارند. لذا تأثیرات متقابل ظاهر و باطن بر یکدیگر می توانند در تربیت پذیری و تزکیه افراد نیز تأثیر گذار باشند.

^{۲۷} محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۹، ص ۶۶۵

^{۲۸} خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۹۲

^{۲۹} سوره فرقان، آیه ۷۷

^{۳۰} سوره اسراء، آیه ۳۷

^{۳۱} خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۹۱

^{۳۲} نهج البلاغه، قصار ۲۰۷

۳. اصل زیبایی و آراستگی:

اصل زیبایی و آراستگی نیز مؤید این مطلب است که در عرصه تربیت آنچه عرضه می‌شود باید کاملاً آراسته باشد تا بتواند میل و رغبت افراد را برانگیزد و این همان مفهوم تزیین است.^{۳۳}

در قرآن کریم تزیین به دو معنا به کار رفته است. گاهی منظور از تزیین جنبه روانی و غیرمادی است که حتی می‌تواند خیالی نیز باشد؛ و گاهی نیز تزیین مفهومی است که توجه به واقعیت‌ها دارد.

به عنوان مثال در قرآن مجید آمده است:

ما آسمان پایین را با زینت ستاره‌ها آراستیم.^{۳۴}

در این آیه از قرآن کریم معنای دوم مد نظر است. اصل آراستگی به مادران آشنا با مفاهیم قرآنی می‌آموزد که روابط میان مادر و کودک باید به گونه‌ای زیبا و آراسته باشد و مطالبی که رد و بدل می‌گردد آنقدر زیبا و آراسته باشد که بتواند کودک و دیگران را جذب کند؛ بنابراین در این خصوص در حوزه ویژگی‌های جذابیت و احسان بر انسان، می‌توان دو اصل را معرفی نمود که عبارتند از «اصل آراستگی» ناظر به جذب‌ه حسن و «اصل فضل» ناظر به جذب‌ه احسان.^{۳۵}

در قرآن کریم نیز به زیبایی و مظاهر آن توجه شده و آن را به عنوان یکی از تمایلات انسانی به رسمیت شناخته است. قرآن کریم نعمت‌های بی‌حد خداوند را در آیات متعدد بیان نموده و به زیبایی هر چه تمام‌تر آنان را وصف می‌نماید.

خداوند در قرآن کریم در آیات ۹۹ و ۱۴۱ سوره انعام، این نکته را یادآور می‌شود که خوردن نیز باید هدفدار باشد و انسان از زیبایی‌ها و نعمت‌هایی که خداوند در اختیار وی قرار داده است در جهت مطلوب استفاده کرده و از اسراف بپرهیزد.

در سیره ائمه معصومین نیز توجه به آراستگی به کرات دیده می‌شود. به طوری که پیامبر اسلام (ص) در خصوص زیبایی و آراستگی می‌فرماید:

«انّ الله تعالی جمیل و یحبّ الجمال، سخیّ یحبّ السخاء، نظیف یحبّ النظافه»^{۳۶}

یعنی خدا زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد، بخشنده است و بخشیدن را دوست می‌دارد، پاکیزه است و پاکیزگی را دوست می‌دارد.

پیامبر اسلام (ص)، در طول عمر بابرکت خویش همواره به مقوله آراستگی ظاهر خویش توجه داشتند، موهای خویش را شانه می‌زدند، از عطر خوشبو و مناسب استفاده می‌کردند و برای مرتب کردن ظاهر خویش به آب می‌نگریستند.

توجه پیامبر (ص)، نسبت به زیبایی‌ها، نیکویی‌ها و اخلاق حسنه، نشانگر این مطلب است که بین خوبی‌ها، نیکی‌ها و زیبایی‌ها با روح و باطن انسان همبستگی وجود دارد

^{۳۳}. خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۵۹

^{۳۴}. سوره صافات، آیه ۶

^{۳۵}. خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۵۹

^{۳۶}. علی کرمی فریدنی، نهج الفصاحه، ص ۸۶

۴. اصل فضل:

اصل فضل نیز یکی دیگر از اصول تربیتی است. در واقع جذبه احسان در انسان به عنوان شاخص ساختاری تبیین شده است. این اصل بر این نکته تأکید دارد که نیکویی و احسان نه تنها می‌تواند بر انسان تأثیر داشته باشد، بلکه می‌تواند لگامی بر بدکرداری‌ها او نیز باشد.

در واقع اصل فضل، بر این نکته تأکید دارد که خداوند نیز در تربیت بشر، به کرات با بهره‌گیری از اصل فضل رفتار می‌کند به طوری که فضل و رحمت را نسب به موجودات بر خود فرض کرده است. نمونه این مطلب در قرآن کریم آمده است:

«... بگو برای خداست که بر خود رحمت را مقرر کرده است...»^{۳۷}

۵. اصل اصلاح شرایط و ایجاد زمینه مساعد تربیتی:

انسان از نظر ظاهری و باطنی، می‌تواند تحت تأثیر شرایط قرار گیرد؛ بنابراین برای دوری از ناپاکی‌ها و آلودگی‌ها و تقویت رفتارهای شایسته باید در شرایطی که وی قرار دارد تجدید نظر شود.

اصل اصلاح شرایط مؤید این مطلب است که برای قرارگیری در مسیر تربیت صحیح باید، در وهله اول زمینه و شرایط انحرافات از سر راه وی برداشته شود.

آیات متعددی از قرآن کریم و همچنین روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز بر این مطلب تأکید دارند و با زبان تحریم و کراهت سعی در اصلاح شرایط و دوری از زمینه‌های محیطی دارند.

آموزه‌های اسلامی و مفاهیم قرآنی در بحث خانواده بر محیطی سراسر محبت و صمیمیت به همراه اعتدال تأکید می‌کنند به طوری که بر ایجاد محیطی بدون سرزنش کودکان، و راندن آنان از جمع صمیمی خانواده و ... اصرار می‌ورزند زیرا این شرایط سبب از بین رفتن فضای معنوی خانواده و سعادت دنیوی و اخروی فرزندان می‌گردد.

- تأثیر شرایط محیط بر تربیت:

انسان همیشه در شرایط مختلفی قرار می‌گیرد می‌توند در معرض احساسات و افکار متنوعی قرار گیرد، که این شرایط می‌توانند شامل شرایط زمانی و مکانی، قرار گیرند

روش‌های تربیتی متناظر با اصول حاکم بر روش‌های تربیتی - شناختی مادر از دیدگاه آیات و روایات:

۱. روش‌های تربیتی اصل تعقل:

مادر مؤمن و آشنا با مفاهیم قرآنی، باید روش‌هایی در راستای تحقق اصل تعقل در نظر بگیرد تا با بهره‌گیری از آنان بتواند این اصل را در برنامه تربیتی خود حاکم کرده و موجبات هدایت کودک را فراهم نماید. در ذیل به برخی از روش‌های متناظر با اصل تعقل اشاره می‌گردد:

۳۷. انعام، آیه ۱۲

الف. روش تعلیم حکمت

یکی از شیوه‌هایی که می‌تواند در پرورش اصل تعقل به مادران کمک کند، روش آموزش و تعلیم حکمت می‌باشد که مفاهیم قرآنی نیز بر آن تأکید دارند.

در بیان این روش باید گفت که بیان حکمت، کمک مؤثری است در جهت یابی حق و یافتن مسیر صحیح زندگی به کودک.^{۳۸}

از آنجایی که دانشمندان علوم روانشناسی، بهترین دوره زندگی تکامل اخلاق را در انسان دوران کودکی می‌دانند، بنابراین این دوره می‌تواند به علت مطیع بودن کودک و پذیرش بالای حقیقت بسیار کلیدی باشد، زیرا در این دوران هنوز شرایط و موانع اطاعت پذیری در کودک شکل نگرفته و کودک اراده‌ی قدرتمندی در خصوص نافرمانی ندارد، لذا کودک قادر است در این دوره از زندگی خود به روش‌های تربیتی عادت کرده و اطاعت کند.

آموزش حکمت در آموزه‌های اسلامی از جایگاه بالایی برخوردار است و می‌تواند زیربنای ارزشمندی در تعلیم و تربیت کودک قرار گیرد؛ و اگر مسیری غیر از تعلیم حکمت در تربیت کودک انتخاب شود، پایان مؤثری ندارد و والدین به اهداف تربیتی خود نمی‌رسند.

از این رو است که مادران آشنا با مفاهیم قرآنی، فوق‌العاده اهمیت روش تعلیم حکمت را درک می‌کنند و سعی می‌کنند با استفاده بهینه از این روش، زمینه‌های تربیتی و اخلاقی کودک را فراهم آورند. این بعد از تربیت می‌تواند کودک را مزین به اخلاق پسندیده و در نتیجه بروز رفتارها و گفتارهای حکیمانه و منطبق بر عقل و حکمت کند.

اهمیت بهره‌گیری از روش تعلیم حکمت تا جایی است که اگر مربی از آن در تربیت فرزند خود غافل شود، باید منتظر بروز رفتارهای نامطلوب در کودک خویش باشد، که گاهی ممکن است تا بزرگسالی و سال‌های متمادی این رفتارها و عادات نامطلوب همراه فرد باقی بماند.

مادر اهل مطالعه و دانش می‌تواند با مطالعه مفاهیم قرآنی و روایات رسیده از ائمه معصومین علیهم‌السلام، به بررسی مفهوم و ماهیت روش تعلیم حکمت بپردازد تا بتواند به نحو احسن از آن در تربیت فرزند خود بهره‌گیرد

قرآن کریم به مقوله آموزش و تعلیم حکمت اهمیت بسیاری داده و از آن به عنوان خیر کثیر نام برده و می‌فرماید:

«و من یوت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا»^{۳۹}

و به هر کس حکمت داده شود، به یقین خیری فراوان داده شده است.

«حکمت، رسیدن به حق به واسطه علم و عقل است و مقصود از دادن حکمت، علم و توفیق برای عمل است.»^{۴۰}

«حکمت همان علم و دانشی است که صاحبش را از جهل و نادانی مانع می‌شود.»^{۴۱}

روش تعلیم حکمت در سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز بکار رفته است. برای نمونه می‌توان به روش و شیوه تربیتی بانوی دو عالم حضرت فاطمه (س) اشاره کرد و از آن در تربیت فرزندان الگو برداری کرد. حضرت فاطمه (س)، نسبت به کودکان خویش،

^{۳۸}. خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۲۰۷

^{۳۹}. سوره بقره، آیه ۲۶۹

^{۴۰}. طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۳۹

^{۴۱}. طبرسی، ج ۱، ص ۱۱۲

احترام بسیار زیادی قائل بودند و در صدا زدن نام آنان، کودکان خویش را با احترام زیادی صدا می زدند، ایشان سعی وافری در تربیت فرزندان خود داشته و در این مسیر همت بالایی داشتند.

برای نمونه می توان به حدیث کساء استناد کرد که در آن حضرت فاطمه سلام الله علیها، در جواب سلام به کودکان خود، آنان را با عنوان نور دیده و میوه دل خطاب کرده و پاسخ سلام می دهند.

بانوی دو عالم همواره کودکان خود را به یادگیری تشویق می کردند. ایشان امام حسن علیه السلام را ترغیب می کردند که در مسجد حضور یابد، بیانات پیامبر صلی الله علیه و آله را به دقت گوش دهد و برای مادر بازگو کند.^{۴۲}

در سیره تربیتی حضرت فاطمه سلام الله علیها، گسترش شادی و نشاط نیز جایگاه بالایی دارد به طوری که در فرصت های ایجاد شده، سعی می کردند با کودکان خود بازی کنند؛ و در بازی هایی که با کودکان خود داشتند حکمت ها را نیز به آنان آموزش می دادند و می فرمودند:

ای حسن، نظیر پدرت باش و ریسمان ظلم از حق دور کن، و خداوندی را که صاحب نعمت هاست پرستش کن و با افراد تیره دل دوست مباش.

از این روست که آموزش و تعلیم حکمت می تواند ابزار بسیار مناسبی در تربیت کودک در دوران کودکی قلمداد شود؛ زیرا ماندگاری آن در ذهن کودک بسیار بالا است و می تواند شخصیت کودک را بسازد. استفاده از روش تعلیم حکمت سبب می گردد که کودک در برابر سختی ها و مشکلات زندگی، بتواند برخوردهای حکیمانه از خود بروز دهد. این روش در دوران بزرگسالی نیز همراه فرد خواهد بود و سبب می گردد که در دوره جوانی و دوره های بعدی زندگی نیز فرد، مشکلات خویش را به صورت حکیمانه حل نماید.

البته ذکر این نکته ضروری است که در روش تعلیم حکمت در نظر گرفتن سن کودک و میزان درک مفاهیم توسط کودک نیز حتما باید مراعات شود. از این رو مادر باید مطالب و حقایق حکیمانه را در حد و اندازه ظرفیت درک کودک انتخاب و به او بفهماند و در این مسیر از زبان کودکی استفاده کرده و مطالب را با بهره گیری از داستان و تمثیل های جذاب برای کودک خویش بازگو کرده و آموزش دهد.

شیوه انتقال مفاهیم به زبان ساده:

مادر آشنا با مفاهیم قرآنی، باید در انتقال مفاهیم به کودک خود، دقت داشته باشد که زمانی در این امر موفق خواهد بود که مطالب را با بیانی ساده و جذاب برای کودک خود مطرح کند و همیشه در بیان مطالب سن کودک و قدرت فهم و درک او را در نظر بگیرد.

همچنین مادر باید به اندازه کافی مطالعات گسترده ای در خصوص مطالبی که بیان می کند داشته باشد که بتواند به سوالاتی که در ذهن کودک شکل می گیرد پاسخ های حکیمانه بدهد.

برای ساده سازی مفاهیم حکیمانه مادر می تواند از روش های مختلف و متنوعی از جمله بهره گیری از روش ۱. داستان و تمثیل های زیبا ۲. بازی ۳. شعر و... استفاده کند.

۴۲. محمد محمدی اشتهاردی، نگاهی بر زندگی حضرت فاطمه سلام الله علیها، ص ۶۴

انواع روش های ساده سازی در روش تعلیم حکمت:

۱. استفاده از داستان های ساده و جذاب

کودکان در سنی قرار دارند که به داستان علاقه زیادی نشان می دهند و مادر باید از این خصیصه ذاتی حداکثر استفاده را در امر تربیت و روش بیان حکمت ببرد.

مادر مؤمن و آشنا با مفاهیم قرآنی، باید مشکلات تربیتی را که در کودک خود می بیند را با مطرح ساختن داستان هایی در این زمینه و بیان راه حل های برطرف سازی مشکل به شکلی زیبا و جذاب برای کودک خود تعریف کند تا کودک خود به تشخیص خوب و بد اقدام کند. همچنین در انتقال مفاهیم دینی به کودک از جمله مفهوم خداوند و یا اهمیت نماز، لزوم احترام به والدین، آشنایی با سیره و اخلاق ائمه معصومین علیهم السلام نیز می توان از روش داستان و قصه گویی استفاده کرد.^{۴۳}

این روش مورد تأکید قرآن کریم نیز قرار دارد:

«لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولَى الْأَلْبَابِ»^{۴۴}

لذا است که استفاده از روش بیان داستان ها و سرگذشت اقوام و... می تواند برای کودکان آموزنده تعالیم حکیمانه باشد.

۲. استفاده از تمثیل های جذاب

یکی دیگر از روش هایی که مادر آشنا با مفاهیم قرآنی، می تواند برای ساده سازی و آموزش حکمت در امر تعلیم و تربیت از آن استفاده کند، بهره گیری از بیان مثال ها و تمثیل های جذاب و زیبا برای کودک خود می باشد. فقط نکته ای که وجود دارد آن است که مادر باید از تمثیل هایی در خور سن کودک و متناسب با موضوع قابل آموزش استفاده کند و متوجه حالات، روحیات و علائق کودک خود نیز در انتخاب موضوع باشد.

به طور مثال مادر می تواند بدی ها و ناراستی ها را به تاریکی و ظلمات و خوبی ها و نیکویی ها را به نور تشبیه کند و چون کودکان از تاریکی بیزارند، قطعاً جذب نور و به تبع آن خوبی و نیکی خواهند شد. حتی مادر با استفاده از این روش می تواند به آموزش مفاهیم دینی از جمله خداوند به کودک خود اهتمام بورزد. به گونه ای که اگر کودک در سن بزرگ تری قرار دارد می تواند تشبیه خداوند به نور را درک کند و بفهمد که نور می تواند تمام جهان را روشن کند و بر همه چیز بتابد؛ بنابراین درک می کند که خداوند هم می تواند قدرتی داشته باشد که حضور دائمی داشته و بر همه انسان ها نعمت های خود را ارزانی دارد.

قرآن کریم نیز از این روش به کرات استفاده کرده و در عمل اندیشمندان و اهل خرد و تفکر را به اندیشیدن و تفکر کردن دعوت کرده است

«وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنُرِيهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ»^{۴۵}

ائمه معصومین علیهم السلام نیز از این روش استفاده می کرده اند. به طوری که در سیره تربیتی پیامبر صلی الله نیز ایشان برای نشان دادن انبوه گناهان از تمثیلی زیبا استفاده فرمودند:

^{۴۳} داودی، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، ج ۲، صص ۴۶-۴۷

^{۴۴} سوره یوسف، آیه ۱۱۱

^{۴۵} سوره عنکبوت، آیه ۴۳

روزی حضرت محمد صلی الله علیه و آله با گروهی از یاران خود همسفر شدند، در مسیر به راه خشکی برخورد کردند که اثری از آب و آبادانی نبود. پیامبر (ص) به یاران خود فرمودند که هر کس به اندازه خود هر چقدر که می‌تواند هیزم جمع کند. در حالی که در آن منطقه به نظر می‌رسید که هیچ هیزمی وجود ندارد. اصحاب پیامبر با ناباوری به دنبال هیزم گشتند، اما بعد از جستجو و جمع‌آوری مقدار زیادی هیزم جمع‌آوری شد. پیامبر صلی الله در تمثیلی زیبا فرمودند که گناه هم با جمع شدن گناه‌های کوچک، زیاد شده و روی هم انباشته می‌گردند.^{۴۶}

۲. روش‌های تربیتی اصل عزت نفس:

الف. شیوه بروز توانایی‌ها:

مادر آشنا با مفاهیم قرآنی، همواره به زمینه بروز توانایی را در کودک خود فراهم می‌آورد تا کودک بتواند توانایی‌های بالقوه درونی خود را به مرحله عمل برساند و نمایش دهد. با این روش کودک عزت نفس می‌یابد؛ زیرا کودکی که در مرحله عمل به تکالیف موفق عمل کند، در خود احساس خوشایندی از خویشتن می‌یابد و همین امر سبب افزایش عزت نفس در او می‌گردد.

به همین دلیل فراهم سازی زمینه بروز توانایی می‌تواند برای تربیت کودک اهمیت زیادی داشته باشد و سبب تقویت بعد اخلاقی و تربیتی کودک و در نتیجه تقویت روحیه اعتماد به نفس و عزت نفس وی خواهد شد. مادر با بهره‌گیری از این روش، کودک خویش را محبوب جلوه می‌دهد و این باعث عزیز شدن فرزند می‌گردد. البته این امر شروطی هم دارد، از جمله اینکه فرزند خود را مفید احساس کند و تقوی هم داشته باشد و هرچه دارد را نعمت‌های الهی ببیند.

ب. توجه به تفاوت‌های فردی

تفاوت‌های فردی گوناگون و متنوعی در کودکان وجود دارد و در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی آنان می‌تواند از جمله شیوه‌های تربیتی در خصوص توجه به اصل پرورش عزت نفس در کودکان باشد؛ زیرا توجه مادر به تفاوت‌های فردی کودک از جمله تفاوت در نیرو و قدرت بدنی کودک، تفاوت در قدرت تفکر، برخورداری از ضریب هوشی متفاوت و... سبب حفظ حرمت و عزت فرزند در بین سایر کودکان می‌گردد.

مادری که با مفاهیم قرآنی آشنایی چندانی نداشته باشد، توجهی نیز به تفاوت‌های فردی در کودکان ندارد و از همه کودکان انتظار یکسانی دارد، لذا تلاش این مادر بر آن است که بدون لحاظ کردن توانایی کودک خود، او را همانگونه که دوست دارد تربیت کند. به همین دلیل و عدم توجه به تفاوت کودک خود با سایر کودکان نه تنها در تربیت موفق نمی‌گردد، بلکه سبب سرخوردگی و دلزدگی و همچنین از بین رفتن عزت نفس و محبوبیت کودک خود نیز می‌گردد.

از این رو از جمله عواملی که می‌تواند در موفق شدن مادر در تربیت فرزند نقش داشته باشد، میزان اطلاع و آشنایی مادر با میزان توانایی‌های فرزند خویش می‌باشد، لذا به جاست که ابتدا مادر به توانایی کودک خود واقف گردیده و با توجه به آن برای تربیت فرزند خود برنامه ریزی کند.

^{۴۶}. محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۱۸

توجه به این امر در سیره ائمه هدی علیهم‌السلام نیز دیده می‌شود. بدین شرح که ائمه مکرم اسلام علیهم‌السلام، نیز با عنایت به این خصیصه افراد با مردم رفتار می‌کردند. در واقع ائمه وظیفه داشتند که با مردم جامعه به اندازه وسع و توانایی عقلی و علمی آنان سخن کنند.

لذا مادر برای حصول نتیجه مطلوب در امر تربیت فرزند، لازم است به این نکته توجه داشته باشد که توانایی‌های متغیر کودکان، روش‌های متفاوتی را در امر تربیت طلب می‌کند، که لازم است نسبت به آنها دقت لازم مبذول گردد؛ و عدم توجه به بحث تفاوت‌های فردی کودکان و برنامه ریزی بدون لحاظ کردن این نکته مهم سبب خواهد شد که کودکان با مشکلات عدیده‌ای مواجه شوند. از مجموع مطالب این نکته دریافت می‌گردد که مادران نباید در امر تربیت از کودکان خود انتظارات یکسانی داشته باشند و بخواهند الزاماً کودک خود با سایر کودکان در یک سطح از نظر تربیتی و کسب کمالات قرار بگیرند. بلکه مادر دلسوز و آشنا با مفاهیم قرآنی، به جای توقع بی‌جا از فرزند خود، با در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی آنان سعی می‌کند با برنامه ریزی دقیق منحصر به هر کودک سبب رشد و شکوفایی استعدادهای درونی وی گردد.

ج. روش تقویت حس خودباوری

دانشمندان و پژوهشگران بر این اعتقاد هستند که شناخت فرد نسبت به خود و درک میزان توانایی و کشف استعداد هر فرد از اولویت‌های برنامه‌های زندگی هر فرد محسوب می‌گردد. این شناخت سبب انتخاب مسیر زندگی و کسب کمال فرد در مسیر مشخص و در نتیجه تقویت و پرورش حس خودباوری در فرد خواهد شد.

افراد باید به نیروهای درونی و استعدادهای ذاتی خود پی ببرند و بدانند که بهره‌گیری از کدام خصوصیت ذاتی وی می‌تواند او را در مسیر هدایت و کمال مطلوب قرار دهد تا با پیمودن این مسیر به سعادت حقیقی در دنیا و عقبی برسد.

لذا در این مسیر و رسیدن به حس خودباوری مطلوب، نقش مادر آشنا با مفاهیم قرآنی، بیش از پیش اهمیت می‌یابد؛ زیرا مادر می‌تواند با شناساندن ویژگی‌های فردی و ذاتی کودک خود، او را در مسیر موفقیت، هدایت و کمال قرار دهد. در این صورت است که فرد در خود احساس خودباوری پیدا می‌کند.

بهره‌گیری از روش تقویت حس خودباوری در کودک سبب طی کردن پله‌های ترقی و پیشرفت در کودک می‌گردد که خود می‌تواند آثار و برکات فردی و اجتماعی متعددی را در آینده به دنبال داشته باشد. به کارگیری این روش و تقویت حس خودباوری در کودک، سبب می‌شود که فرد در آینده بتواند به جامعه خویش خدمات قابل توجهی انجام دهد.

لذا مادر باید حس خودباوری را از سنین کودکی در فرزند خود تقویت کند و باید به کودک خود آموزش دهد که انسان نیرومند و با استعدادهای گوناگون خلق شده است. مادر هیچگاه نباید احساسات و سلايق کودک خود را کم ارزش بیندارد و یا فرزند خود را سرزنش و تحقیر کند، زیرا با این روش سبب می‌گردد که کودک در آینده دچار مشکلاتی از قبیل عدم اراده کامل و قوی، ضعف و عدم اطمینان به خود می‌گردد، در نتیجه در بزرگسالی توانایی لازم برای انجام امور سخت را در خود نخواهد دید.

متأسفانه برخی از والدین بدون توجه به این نکته مهم فرزندان خود را تربیت می‌کنند، اما در عمل دیده می‌شود که فرزندان آنان در سنین بزرگسالی از توانایی لازم برخوردار نیستند و قادر به پذیرفتن مشاغل بزرگ اجتماعی نمی‌باشند.^{۴۷}

^{۴۷}. فاطمه میرزاعلی، نقش مادر در تربیت دینی فرزند، ص ۲۸

۳. روش‌های تربیتی متناظر با اصل مسئولیت:

آنچه محرز و مسلم است این که برخورداری مادر از آگاهی و دانش تربیتی، از جمله فاکتورهای مهم در انتخاب روش‌های تربیتی در فرزندان می‌باشد؛ بنابراین هر چه مادر با مفاهیم قرآنی و آموزه‌های اسلامی و روش‌های تربیتی مبتنی بر اسلام آشنایی داشته باشد، در امر تعلیم و تربیت فرزند موفق‌تر عمل خواهد کرد.

از دیدگاه کارشناسان علوم تربیتی و علوم قرآنی در خصوص اصل مسئولیت، روش‌هایی متناظر با آن وجود دارد که در ذیل به آن اشاره می‌گردد:

الف. روش مواجهه با نتایج اعمال:

یکی از روش‌های تربیتی مبتنی بر اصل مسئولیت، روش مواجهه با نتایج اعمال، می‌باشد. مادر آگاه با آموزه‌های قرآنی باید به این نکته توجه داشته باشد که از این روش زمانی می‌تواند استفاده کند که مرتبی مرتکب خطای کوچکی شده باشد، در این صورت دیدن نتیجه عمل او می‌تواند مثمر ثمر باشد؛ زیرا با این روش که نوعی تنبیه به حساب می‌آید کودک به معنا و مفهوم و در واقع به ماهیت عمل خود پی خواهد برد. به کار بردن این روش سبب می‌گردد که کودک با مواجه شدن با نتیجه عمل خود، دیگر دست به تکرار این عمل نزند.

از این رو مادران آشنا با مفاهیم قرآنی نیز می‌توانند از این روش با توجه به شرایط ذکر شده بهره بگیرند. مادر در این روش کودک رو مورد امر و نهی قرار نمی‌دهد، فقط کودک در مواجهه با پیامدهای عمل خود قرار داده می‌شود. با این روش انگیزه اعمال و افعال بد در کودک کم شده و گرایش وی به انجام کارهای نیک بیشتر می‌گردد

یکی از فایده‌هایی که این روش نسبت به سایر روش‌های تربیتی دارد آن است که در این روش هدف مربی مبتنی بر اصلاح و هدایت فرد است، نه مجازات و تنبیه.^{۴۸}

از این روش در آیات قرآن کریم نیز استفاده شده است. به طوری که برخی از آیات سوره انعام بر این مطلب تأکید دارند^{۴۹} در این آیات چشاندن نتیجه عمل را به فرد خطاکار به عنوان یک روش تربیتی معرفی می‌نماید. در این روش فرد خطاکار، با دیدن نتیجه عمل خود، به فکر توبه کردن می‌افتد و سعی می‌کند به راه صحیح و هدایت بازگردد. همچنین در قرآن مجید آمده است:

«كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ»^{۵۰}

هر کسی در گرو دستاورد خود است

«و ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ اَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»^{۵۱}

به دلیل آنچه دست‌های مردم فراهم آورده فساد در خشکی و دریا پدیدار شده تا [سزای] برخی از آنچه را که انجام داده اند به آنان بچشاند باشد که بازگردند

^{۴۸} . خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۵۳-۱۵۱

^{۴۹} . انعام، آیه ۱۰۴، و آیات ۱۲۸-۱۳۰

^{۵۰} . سوره مدثر، آیه ۳۸

^{۵۱} . سوره روم، آیه ۴۱

قرآن کریم در این آیه بر این مطلب تأکید دارد که نتیجه برخی اعمال به مردم چشاندن می‌شود و همین امر می‌تواند پیام تربیتی برای فرد خطاکار به دنبال داشته باشد.

لذا مادر مؤمن و آشنا با مفاهیم قرآنی، به کودک خود در بعد تربیتی این امکان را می‌دهد که در معرض مستقیم نتیجه عمل خود واقع شود، تا با فهم و درک ماهیت عمل خود، متوجه رابطه فعل خود و اثر آن شود.

از مجموع مطالب ارائه شده در روش مواجهه با نتایج اعمال چنین نتیجه گرفته می‌شود که این روش می‌تواند نقش بسیار مهمی در مسئولیت پذیری افراد در مقاطع مختلف زندگی داشته باشد و سبب بیداری افراد از غفلت و پاسخگویی در برابر اعمالی که انجام می‌دهند، یعنی پرورش حس مسئولیت می‌گردد.

مادر باید به این نکته توجه داشته باشد که این روش را می‌تواند در سنین مختلف دوران کودکی و متناسب با قدرت فهم و درک کودک به کار گیرد. کودک نیز به تدریج بر اطلاعات و آگاهی‌های او افزوده شده و به مراتب بیشتر مستعد رشد و تربیت می‌گردد.

ب. روش تحریک ایمان:

روش تحریک ایمان، نیز از جمله روش‌های مبتنی بر اصل مسئولیت است و مادر آشنا با معارف قرآنی با استفاده از این روش می‌تواند حس احساس مسئولیت را در فرزند خود پرورش دهد.

روش تحریک ایمان در واقع نوعی تحریک حس تکلیف در فرزند می‌باشد، که نتیجه آن تربیت پذیری بیشتر کودک می‌باشد. ماندگاری این روش در ذهن کودک بسیار بالا است، زیرا نیروی پیش برنده آن ایمان به پروردگار است. از طرفی چون ایمان، در واقع نوعی اعتقاد و باور محسوب می‌گردد، لذا می‌تواند در اعماق وجودی انسان نقش بسته و قدرت ماندگاری بسیار طولانی را در فرد ایجاد کند.

مادر عالم به معارف اسلامی با استفاده از این روش، قادر خواهد بود در فرزند خویش، تحولات درونی و باطنی عمیقی ایجاد کند که بر قلب و روح وی رسوخ دارد. تقویت روح ایمان در کودک، سبب تقویت نیروهای درونی کودک می‌گردد که با رشد آن، تغییرات گسترده‌ای در اعمال و رفتار کودک بروز می‌کند و فرزند قادر خواهد بود دست به فعالیت‌های بزرگ و پر ارزش بزند. با بکارگیری این روش، قوه خودخواهی بر اثر تحولات درونی، در کودک کاهش پیدا کرده و به آرامش می‌رسد. در این صورت است که فرد می‌تواند در برابر سختی‌ها و ناکامی‌ها و موقعیت‌های حساس زندگی، با غلبه بر هواهای نفسانی، پیروز و سربلند ظاهر گردد.

ج. روش ابتلاء

یکی دیگر از روش‌های تربیتی که مبتنی بر اصل مسئولیت می‌باشد، روش ابتلا و آزمایش است. در این روش مادر آشنا با مفاهیم قرآنی، با قرار دادن فرزند خود، در آستانه عمل سبب افزایش گزینه مقاومت و تأثیرگذاری بر شرایط در فرزند خویش می‌گردد. در حقیقت مادر با به‌کارگیری این روش باعث افزایش نیروهای درونی کودک و بروز استعدادها و نهفته‌های وی در مواجهه با چالش‌ها و قرارگیری در موقعیت‌های خطرناک می‌گردد.

در واقع ابتلا به معنای غم، اندوه، رنج و همچنین به معنای آزمودن در خیر یا شر، آزمایش در نعمت یا محنت، گرفتاری شخص به نیکی یا بدی است.^{۵۲}

ابن فارس: صاحب مقایس اللغة می‌گوید: «بلوی» دو اصل دارد: ۱. کهنگی و فرسودگی ۲. امتحان و اختبار.^{۵۳}

کارشناسان علم صرف، کلمه ابتلاء را به معنای فرسایش و کهنه شدن دانسته‌اند. ابتلاء را به این دلیل ابتلاء نامیده‌اند که نوعی آزمایش و امتحان است که گویی انسان به واسطه قرار گرفتن زیاد در معرض آزمایشات گوناگون، به فرسودگی می‌رسد.^{۵۴}

در قرآن مجید نیز ابتلاء و امتحانات الهی بسیار به کار گرفته شده است. امتحان از این جهت که سبب ارتقاء معنویت در انسان می‌گردد و سبب تقویت بعد روحی فرد می‌گردد دارای فواید بسیاری است. به همین دلیل خداوند بندگان خود را در معرض امتحان و آزمایش قرار می‌دهد تا با این روش جایگاه آنان ارتقاء یابد.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَأَمَّنَّا وَهُمْ يَفْتَنُونَ.^{۵۵}

خداوند انسان را در راستای تربیت پذیری در مسیر ابتلا قرار می‌دهد.

در قرآن کریم، در حالت کلی به دو نوع ابتلا اشاره شده است.

«...وَتَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً»^{۵۶}

... و ما شما را به بدو نیک مبتلا می‌کنیم تا بیازماییم...

نوع اول ابتلاء هنگامی است که فرد در فقر و تنگدستی به وسیله صبر و تحمل مورد آزمایش قرار می‌گیرد. نوع دیگری که در قرآن کریم به آن پرداخته شده است هنگامی است که فرد از ثروت و غنای بسیاری برخوردار است و بوسیله شکر نعمت مورد ابتلاء و آزمایش قرار می‌گیرد. ابتلاء نوع دوم به مراتب نسبت به نوع اول سخت‌تر خواهد بود، زیرا انسان وقتی که از دارایی و ثروت زیادی برخوردار باشد به مراتب بیشتر در معرض کمین گاه‌های شیطان قرار می‌گیرد و امکان لغزش او بیشتر می‌شود.

در روش ابتلاء مربی، فرد تربیت‌شونده و مورد آزمایش را در معرض عمل قرار می‌دهد تا او خود را محک بزند و در برابر سختی‌ها بتواند با افزودن بر نیروهای درونی خویش، ظرفیت‌ها و توان‌های جدید را در خود ایجاد کند. در حقیقت این بخش از ابتلاء سبب بازدهی متری و تربیت فرد آزمایش‌شونده می‌گردد.^{۵۷}

مادر مؤمن و آشنا با مفاهیم قرآنی، باید به این نکته توجه داشته باشد که استفاده از روش ابتلاء، تنها برای آزمایش کردن و در معرض امتحان قرار دادن کودک و سنجیدن نقاط قوت و ضعف فرزند نیست، بلکه آثار و پیامدهای دیگری از جمله، ارتقاء نیروهای درونی کودک است که بتواند در برابر آلودگی‌ها و گناهان خودداری کرده و موجبات نورانی شدن قلب و روح خود را پدید آورد. این روش سبب می‌گردد تا کودک در دوران جوانی و بزرگسالی بتواند در برابر خواهش‌های نفسانی و وسوسه‌های شیطانی از خود مقاومت نشان داده و از آزمایشات الهی سربلند بیرون آید.

^{۵۲}. عمید، فرهنگ لغت، ج ۱، ص ۳۶۶

^{۵۳}. ابن فارس، ۱۴۰۴، ص ۲۹۲

^{۵۴}. حسین ابن محمد راغب اصفهانی، المفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۳۰۹

^{۵۵}. سوره عنکبوت، آیه ۲

^{۵۶}. سوره انبیاء، آیه ۳۵

^{۵۷}. خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۸۹

البته باید مادران به این نکته هم توجه داشته باشند که ابتلائات در روش های تربیتی با ابتلائات و آزمایشات خداوندی تفاوت دارد؛ زیرا امتحانات الهی برای رشد و ترقی فرد امتحان شونده است درحالیکه امتحانات بشری برای مشخص کردن میزان ظرفیت فرد می باشد.

نکته قابل توجه دیگری که در این خصوص مطرح است آن است که آثار و پیامدهای روش ابتلاء در پاکسازی درونی افراد به گونه ای است که هیچ عمل دیگری مانند نصیحت و موعظه نمی تواند جای آن را بگیرد، زیرا فرد وقتی در عمل در موقعیت انجام کاری قرار می گیرد موقعیت رشد و ترقی وی و یا انحطاط وی فراهم می گردد. لذا است که مرتبی باید مترتی را در عمل مورد آزمایش و ابتلاء قرار دهد، تا فرد با خوبی ها و بدی ها مواجه شود و توانایی انجام یا عدم انجام کار را در خود ایجاد کند.^{۵۸}

بالاترین رتبه تربیت و کمال آن است که فرد همواره خود را در دنیا در معرض ابتلاء الهی احساس کند و بتواند از این آزمایشات، ابزاری برای رشد و ترقی خود برای رسیدن به قرب الهی بسازد

امام علی علیه السلام در این خصوص می فرماید:

عند الامتحان یكرم الرجل او یهان^{۵۹}

هنگام آزمایش است که انسان خود را گرامی یا خوار می دارد.

در قرآن کریم نیز به این امر اشار شده و علت رسیدن حضرت ابراهیم علیه السلام را به مقام نبوت و امامت، سربلندی در آزمایشات الهی معرفی می نماید. در واقع در شیوه تربیتی ابتلاء، مادر مؤمن و آشنا با مفاهیم قرآنی، فرزند خود را به مواجهه با چالش های متفاوت می فرستد تا با این شیوه بتواند به تربیت وی بپردازد. مادر سعی می کند، هنگامی که کودک در معرض صحنه های سخت قرار می گیرد، او را تشویق کند که بهترین گزینه را که انجام اعمال خوب و مطلوب است را انتخاب نماید. مادر تلاش می کند که در شیوه ابتلاء، فرزند خود را هنگامی که در معرض لحظات خوش زندگی قرار می گیرد، به او بیاموزاند که انسان باید به دلیل بهره مندی از نعمت های خداوندی همواره او را شکر گذار باشد و شکر نعمت، استفاده صحیح از نعمت است. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند:

«هنگامی که افراد گرفتار را می بینید، به طوری که آنان متوجه نشوند، از پروردگار عالم سپاسگذاری کنید. البته طوری که افراد گرفتار متوجه شکرگزاری شما نشوند زیرا ناراحت می شوند»^{۶۰}

۴. روش های تربیتی متناظر با اصل تذکر:

مادر مؤمن و آشنا با مفاهیم قرآنی، در زمینه رشد و تربیت کودک خود، با عنایت به مفهوم و کاربرد اصل «تذکر»، می تواند از روش های تربیتی «موعظه حسنه، یادآوری نعمت، عبرت آموزی و تکرار» بهره ببرد.

الف. موعظه حسنه:

از جمله شیوه هایی که مادر آشنا با آموزه های اسلامی در بهره گیری از اصل تذکر می تواند از آن استفاده کند، روش موعظه حسنه می باشد. این روش اگر منطبق بر مفاهیم قرآنی و سیره ائمه معصومین علیهم السلام باشد، می تواند بسیار مؤثر واقع شود.

^{۵۸}. خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۵۷

^{۵۹}. محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۳۰

^{۶۰}. محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۳، ۱۵۴

از دیدگاه راغب اصفهانی:

«وعظ در لغت به معنای بازداشتن و منع کردن است که مقرون به بیم دادن [از عواقب کار] باشد»

طبق آیات قرآن کریم، برترین و بالاتری واعظ در حقیقت خداوند متعال می‌باشد:

«ان الله نعما هی يعظکم»^{۶۱}

مادر آشنا با آموزه‌های قرآنی در راستای اثربخشی بیشتر نصیحت و موعظه، قبل از اینکه وارد موعظه شود، به جنبه‌های مختلف بحث فکر می‌کند و در نصیحت و سخنان خود سعی می‌کند از جملات حکیمانه و تأثیر گذار بهره ببرد. به طوری که این سخنان مبتنی بر عقل و منطق باشد.

مادر باید در موعظه خویش از بکاربردن الفاظ و سخنان نسنجیده خودداری کند، زیرا این گونه کلمات نه تنها بار تربیتی ندارند، بلکه آثار سوء متنوعی بر شخصیت کودک می‌گذارند.

مادر برای نصیحت فرزند خویش می‌تواند از نصایح نیکو، متناسب با سن کودک و به اندازه فهم و درک او بهره ببرد؛ زیرا اگر نصایح با روش‌های صحیح و بیان زیبا و دلنشین انجام گیرند، قطعاً می‌توانند آثار شگرف و عمیقی در روح و روان کودک از خود باقی بگذارند که تا سالهای متمادی همراه فرد خواهد بود.

نکته بعدی اینکه مادر باید بداند کودکان به این مطلب توجه دارند که آیا مادر به نصایحی که می‌کند خود پایبند است و در عمل خود آنان را انجام می‌دهد. و این مطلب هنگامی تحقق می‌یابد که زبان مادر به هدایت باز و گویا شود:

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

«و انطقنی بالهدی»^{۶۲}.

به هدایت مرا گویا گردان.

اما اگر مادر نسبت به نصیحت‌هایی که می‌کند، التزام عملی نداشته باشد، نتیجه لازم را از موعظه خویش نخواهد برد.

مسئله بعدی آن است که مادر در نصایح خود باید از آهنگ کلامی استفاده نماید که فرزند متوجه اوج محبت مادر و خیرخواهی او نسبت به فرزندش باشد؛ و سخن او بقدری شیرین و مادرانه باشد که کودک تحت تأثیر قرار بگیرد و به راحتی موعظه در او اثر کند.

نکته بعدی ایجاد شرایط لازم برای اثرگذاری نصیحت و موعظه از قبیل اینکه کودک را در حضور دیگران نصیحت نکند و حتماً در تنهایی او را راهنمایی و ارشاد نماید؛ زیرا کودک در حضور دیگران سعی در توجیه رفتار خود می‌نماید و نمی‌تواند پذیرای خوبی برای موعظه باشد.

رعایت این نکات سبب می‌گردد که موعظه به موعظه حسنه تبدیل شود.

قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»^{۶۳}

^{۶۱}. سوره نساء، آیه ۵۸

^{۶۲}. دعای ۲۰/۱۶

^{۶۳}. سوره نحل، آیه ۱۲۵

قرآن با قید حسنه نام برده تا از موعظه سیئه جدایش کند.

بنابراین مادر عالم و فرزانه شاخص های زیر را در نصیحت و موعظه حسنه در نظر می گیرد:

۱. همواره در موعظه خود از سخنان سنجیده و حکیمانه بهره می گیرد.
۲. موعظه خود را با پند های نیکو و بیان شیرین به فرزند خود می گوید.
۳. مادر در موعظه خود بهترین الفاظ را انتخاب می کند.
۴. مادر در وهله اول خود نسبت به نصایح خویش التزام عملی دارد.
۵. خیرخواهی و محبت مادر در کلام موعظه او کاملاً آشکار و مشخص است.
۶. مادر هنگام موعظه و نصیحت فرزند خویش به شرایط زمانی و مکانی به خصوص تنهایی فرزند توجه جدی دارد.

ب. روش یادآوری نعمت‌ها:

روش یادآوری نعمت‌ها از جمله روش‌های دیگر تربیتی مبتنی بر اصل تذکر، می‌باشد که مادر آشنا با آموزه‌های قرآنی باید حداکثر استفاده از آن را در تربیت فرزند به کار گیرد.

به خصوص که اگر این روش با هوشمندی مادرانه با روش موعظه حسنه تلفیق شود می‌تواند اثربخشی بیشتری داشته باشد.

روش یادآوری نعمت‌ها سبب می‌گردد که زمینه‌های غفلت و فراموشی در کودک از بین برود. کودک به دلیل اشتغال به بازی های کودکانه به راحتی در مسیر غفلت قرار می‌گیرد، از این رو استفاده از این روش در بیداری و بسیار مؤثر خواهد بود.

مادر در تربیت فرزند خویش و بهره‌گیری از روش یادآوری نعمت‌ها باید تلاش کند، محور این یادآوری را به سمت پروردگار قرار دهد و همواره شکر نعمت‌های الهی را به کودک بیاموزد.

این مسئله در سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز وجود دارد به طوری که حضرت زین العابدین علیه السلام در دعای اول خود هنگام شکر نعمت‌های الهی، نعمت‌های خداوند را یادآوری می‌کند

و پس از بیان ضعف انسان، در اطاعت از دستورات و اوامر خداوند، مسیر دعا را به سمت توبه و بازگشت به درگاه الهی می‌گرداند و بابت توفیق توبه و بازگشت، خداوند را شکر می‌کند^{۶۴}

روش یادآوری نعمت‌های الهی، همواره می‌تواند از جمله شیوه‌های محکم و متعالی در جلب توجه متربی و آگاهی وی در انجام تکالیف باشد.

این روش مورد تأکید قرآن کریم نیز هست به طوری پروردگار خطاب به پیامبر خویش می‌فرماید:

«فذكر ان نفع الذكری»^{۶۵}

«ذکران الذکرى تنفع المومنین»^{۶۶}

^{۶۴}. دعای اول / ۱۸ تا ۲۲

^{۶۵}. سوره اعلی، آیه ۹

^{۶۶}. سوره ذاریات، آیه ۵۵

«أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ فَمَا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَفَمَا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ وَفَمَا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»^{۶۷}

«آیا تو طفل یتیمی نبودی که خداوند تو را در پناه خود گرفت و گم گشته نبودی که خداوند تو را هدایت کرد و تهیدست نبودی که خداوند تو را بی‌نیاز کرد؟ بنابراین یتیم را خوار و ذلیل مدار و نیازمندی را که زبان می‌گشاید، از خود مران و نعمت‌خدایت را بازگو کن و شکر آن را برآور». در حیات جمعی درباره نعمت وحدت چنین موعظه می‌دهد: «واذکروا نعمه الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم...»^{۶۸}

«نعمت‌خدا را به یاد آرید که بین قلب‌های شما الفت و دوستی برقرار کرد، هنگامی که با یکدیگر دشمن بودید». موعظه در این روش مبتنی بر گذشته مخاطب است و گذشته او را در معرض دیده می‌آورد.

ج. روش عبرت آموزی:

روش عبرت آموزی، می‌تواند از جمله روش‌های تربیتی با اثربخشی بسیار بالا برای تربیت انسان محسوب شود. مادران آشنا با مفاهیم قرآنی، می‌توانند با بهره‌گیری از این روش، فرزندان خویش را تربیت کنند.

عبرت گرفتن از گذشتگان در دین اسلام و آموزه‌های قرآنی بسیار سفارش شده و در آیات متعددی از قرآن کریم، مسلمین به گردش در زمین و تفکر در سرگذشت پیشینیان دعوت شده‌اند.^{۶۹}

عبرت در لغت از ریشه «عَبَرَ» می‌باشد که معانی متعددی از قبیل تفسیر کردن، سنجیدن و عبور کردن، آمده است. که همگی دلالت بر انتقال از حالتی به حالت‌های دیگر دارند.

راغب می‌گوید: «أَصْلُ الْعَبْرِ تَجَاوُزٌ مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ».^{۷۰}

استفاده از روش عبرت آموزی می‌تواند آثار و برکات زیادی در تربیت فرزند به دنبال داشته باشد؛ زیرا سبب بروز دگرگونی‌های جدی و عمیق در افراد می‌گردد.

مادر با بکارگیری این روش زمینه تفکر و اندیشه و تعقل فرزند را فراهم می‌آورد؛ زیرا این روش سبب می‌گردد که کودک به راحتی از تجربیات دیگران در راستای موفقیت و سعادت مندی خود بهره‌برداری کند.

از این روست که روش عبرت آموزی سبب مصون ماندن کودک از خطا و اشتباه می‌گردد

امیرالمؤمنین علی علیه السلام با بهره‌گیری از این روش تربیتی به امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «... يَا بُنَيَّ أَتَىٰ قَدْ أَنْبَأْتُكَ عَنِ الدُّنْيَا وَحَالِهَا، وَرَوَّالِهَا وَانْتِقَالِهَا، وَأَنْبَأْتُكَ عَنِ الْآخِرَةِ وَمَا أَعَدَّ لِأَهْلِهَا فِيهَا، وَضَرَبْتُ لَكَ فِيهِمَا الْأَمْثَالَ، لِتَعْتَبِرَ بِهَا وَتَحْذُوَ عَلَيْهَا».^{۷۱}

«پسر! من تو را از دنیا و تحولات مختلف آن و نابودی و دست به دست گردیدن آن مطلع کردم و از آخرت و آنچه برای انسانها در آنجا فراهم است اطلاع دادم و برای تو از هر دو مثال زدم تا به آن پندگیری و بر پایه آن در زندگی قدم برداری».

^{۶۷}. سوره ضحی، آیات ۱۲-۶

^{۶۸}. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳

^{۶۹}. محمد رضا قائمی مقدم، عبرت و تربیت در قرآن و نهج‌البلاغه، نشریه حوزه و دانشگاه، شماره ۲۷

^{۷۰}. حسین ابن محمد راغب اصفهانی، المفردات الفاظ قرآن، ماده «عبر»، ص ۳۲۰

^{۷۱}. نهج‌البلاغه صبحی صالح، نامه ۳۱

در حقیقت امام علی علیه السلام به فرزند خویش تذکر می دهد که من اخبار، علامت ها و نشانه‌ها را برای تو بیان کردم و مسیر را به تو نمایاندم، بنابراین تو خود باید عبرت‌بیماموزی و مسیر زندگی را بر آن اساس طی کنی. از این روست که عبرت‌آموزی به عنوان روش تربیتی مطرح می شود.^{۷۲}

قصص ارزشمند قرآن کریم با تبیین زندگی پیامبران، وقایع روز قیامت، توصیف بهشت و شرایط خاص جهنم، مردم را دین اسلام دعوت می کند.^{۷۳}

عبرت فایده های متعددی دارد از جمله نقش بارزی که در هدایت و ارشاد بشر دارد. انسان به وسیله عبرت‌ها همواره در مسیر هدایت و سعادت قرار می گیرد. به وسیله عبرت از سرگذشت دیگران است که انسان سعی می کند از باقی مانده عمر خود بهتری بهره ها را در راستای سعادت و خوشبختی خود ببرد، آینده روشن پیش روی انسان، می‌تواند بستگی به میزان عبرت گیری وی از گذشتگان داشته باشد.^{۷۴}

د. روش تکرار:

تکرار، روشی تربیتی و بر اساس اصل تذکر است. این روش نیز به مادر آشنا با مفاهیم قرآنی، کمک می کند که فرزند خود را از غفلت و فراموشی نجات داده و او را بیدار نماید.

انسان و بویژه فرزندان ممکن است در معرض غفلت قرار گیرند و دچار فراموشی گردند، در نتیجه استفاده از این روش می‌تواند سطح آگاهی فرزندان را افزایش داده و آنان را در مسیر کمال و هدایت قرار دهد.

لذا بسیار ضروری است که مادران در هنگام مواجهه فرزندان با نسیان و فراموشی از روش تکرار برای بیداری آنان استفاده کنند؛ زیرا این روش فایده های زیادی دارد. از جمله اینکه تکرار خود نوعی تذکر محسوب می گردد که فرزند را هوشیار کند و به او آگاهی می دهد.

روح آدمی شکل گرفته از طبایع متعددی است که سبب می گردند او نسبت به تمایلات و گرایش های نفسانی از خود علاقه نشان دهد. در این موقع است که تکرار نصیحت ها و عبرت ها می‌تواند در این احساس علاقه و گرایش تعادل ایجاد کند.^{۷۵}

قرآن کریم در تربیت نسل بشر از روش تکرار بهره های فراوانی برده است. تکرار می‌تواند سبب یادآوری ملزومات و دوری از فراموشی گردد. به طوری که در آیه ۵۱ سوره قصص و آیه ۱۱۳ سوره طه به آن اشاره شده است. دانشمندان علوم اسلامی حکمت های تکرار در آیات در سوره الرحمن من جمله آیه «فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» و آیه «وَيَلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» در سوره مرسلات را استفاده از روش تربیتی تکرار و نوعی تذکر و یادآوری می دانند که ناشی از اهمیت موضوع قابل تکرار می‌باشد.^{۷۶} تکرار، گاهی نشان از اهمیت موضوع دارد و گاهی نیز زمینه و بسرت فهم و درک تربیت شونده را فراهم می کند.

در قرآن کریم آمده است:

^{۷۲}. محمد رضا قائمی مقدم، عبرت و تربیت در قرآن و نهج‌البلاغه، نشریه حوزه و دانشگاه، شماره ۲۷

^{۷۳}. زهرا فلاح پور، روش‌های تربیتی امام سجاد (علیه‌السلام)، منبع نامه جامعه، شماره ۲۷، ص ۷۸

^{۷۴}. محمد رضا قائمی مقدم، عبرت و تربیت در قرآن و نهج‌البلاغه، نشریه حوزه و دانشگاه، شماره ۲۷

^{۷۵}. زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۳، صص ۹۹ - ۱۰۰

^{۷۶}. شیخ صدوق، امالی، ج ۱، صص ۸۸-۸۳

«إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ»^{۷۷}

آنگاه که دو تن سوی آنان فرستادیم و [الی] آن دو را دروغ زن پنداشتند تا با [فرستاده] سومین [آنان را] تأیید کردیم، پس [رسولان] گفتند: ما به سوی شما به پیامبری فرستاده شده‌ایم»، در اینجا تأیید ارسال مکرر انبیا و تأیید آنان از سوی یکدیگر، همه شرایط فوق را تأمین کرده است.

روش تکرار در سیره ائمه مکرر اسلام نیز دیده می‌شود

لذا با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت که تکرار از جمله شیوه‌ها و روش‌های پر اهمیت تربیتی می‌باشد که می‌تواند در حوزه‌های کلامی و رفتاری مورد استفاده قرار گیرد.

مادر آشنا با مفاهیم قرآنی، در بکارگیری این روش به چگونگی اجرای این روش، مقدار و زمان آن نیز توجه دارد.

ج. روش تنبیه و مجازات به قدر خطا:

روش مجازات به قدر خطا نیز از دیگر روش‌های تربیتی است که بر پایه اصل عدالت استوار است.

در این روش مادر آشنا با مفاهیم قرآنی و روایی، سعی می‌کند تنبیه‌هایی که برای کودک خطاکار خود قرار می‌دهد متناسب با خطای کودک و متناسب با شرایط سنی و توانایی فرزند خود در میزان تحمل وی انتخاب شود.

تنبیه، به معنای بیدار کردن از خواب می‌باشد.^{۷۸}

این روش هم با توجه به سن کودک در نظر گرفته می‌شود، زیرا تنبیه تناسبی با سن کودکی و طفولیت ندارد. از دیدگاه آموزه‌های اسلامی تنبیه بدنی کودک منع شده است؛ بنابراین والدین باید از انجام آن پرهیز کنند. اصل عدالت و مساوات تأکید می‌کند که مادر هنگام تنبیه کودک، توجه به مقوله عدالت داشته باشد. در سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز بر اجرای عدالت تأکید شده است.

به طوری که امام علی علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید:

والعدل منها «دعائم الايمان» علی أربع شعب: علی غائص الفهم، و غور العلم و زهره الحکم و رساخه العلم^{۷۹}

عدل از پایه‌های ایمان است و داوری عادلانه همراه با چهار ویژگی است. دقت در فهم، فرورفتن در دانش، قضاوت روشن و درست و بردباری ثابت و پابرجا.

از این رو ضروری است که در راستای اثر بخشی بیشتر مجازات، قبل از انجام آن میزان خطای فرزند و میزان قدرت تحمل او مورد ارزیابی قرار گیرد. آیات قرآن مجید، نیز بر بکارگیری این روش تأکید دارند و از مفهوم آیات چنین برداشت می‌شود که:

۱. مجازات‌ها باید به اندازه خود آن خطا باشند و نه بیشتر :

«وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»^{۸۰}

^{۷۷}. سوره یاسین، آیه ۱۴.

^{۷۸}. محمد رضا قائمی مقدم، روشهای آسیبزا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، پژوهشکده حوزه، ص ۱۳۷

^{۷۹}. سید اصغرناظم زاده قمی، جلوه‌های حکمت، ص ۳۹۲

^{۸۰}. سوره انعام، آیه ۱۶۰

«مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا...»^{۸۱}

۲. آثار و پیامدهای ناگوار خطا و گناه، به خود فرد برمی‌گردد:

«لِيُحْمَلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ.»^{۸۲}

۳. مجازات‌های در نظر گرفته برای خطاهای افراد، حتی اگر بیشتر از قدرت تحمل فرد باشد، باید متحمل آن شود:

فَوَيْلٌ لِلْيَوْمَنِذِرِ لِلْمُكَدِّبِينَ الَّذِينَ هُمْ فِي حَوْضٍ يَلْعَبُونَ يَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَا هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكذَّبُونَ أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ أَصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.^{۸۳}

این آیه بر این نکته تأکید دارد که افراد گناهکار، چه قدرت تحمل مجازات را داشته باشند، یا نداشته باشند، فرقی به حال آنان نمی‌کند، زیرا ماهیت مجازات آنها چیزی جز اعمال آنان نیست.

بنابراین مادر آشنا با مفاهیم قرآنی، باید متوجه این نکته باشد که تنبیه در شرایط خاص، روشی بازدارنده محسوب می‌گردد، بنابراین هنگامی اثر دارد که در شرایط ویژه و با رعایت جوانب مختلف در نظر گرفته شود و اگر جز این باشد می‌تواند دارای آثار تخریبی نیز باشد.

بحث و نتیجه گیری

یکی از جنبه‌های مهم قرآن مجید، تمرکز آن بر مسئله‌ی تعلیم و تربیت است. به این خاطر که اساساً قرآن مجید کتاب هدایت و تعلیم و تربیت می‌باشد و هدف از نزول قرآن مجید نیز تربیت انسان‌ها در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی است. از آنجایی که قرآن مجید، نسخه منحصر به فرد از منابع اسلامی است که در حوزه‌های گوناگون در زندگی انسان‌ها و به‌خصوص مسلمانان کاربرد دارد، لذا تأمل و تعمق در مفاهیم آیات قرآنی در کلیه ابعاد زندگی بشر و به‌خصوص در بحث تعلیم و تربیت می‌تواند بسیار اثربخش و حتی لازم و ضروری باشد.

یکی از مهم‌ترین ابعاد جنبه‌ی زبانی قرآن مجید، در خصوص مسئله‌ی تربیت و رشد انسان است که این امر مهم، با روش‌های مختلف در قرآن مجید به آن پرداخته شده است. در حقیقت اگر چه قرآن مجید به ابعاد مختلف زندگی بشر پرداخته است، اما هدف اصلی از نزول قرآن مجید تربیت افراد و هدایت آنان قلمداد می‌شود؛ بنابراین زبان قرآن مجید را می‌توان، زبان تربیت در نظر گرفت که برای رشد انسان‌ها و رهایی آنان از ظلمت و تاریکی جهل نازل شده است.

از طرف دیگر موضوع تربیت فرزند، همواره در ردیف مسائل و مباحث اصلی اسلام مطرح بوده است. لذا در حوزه تربیت اسلام خانواده را کانون اصلی تربیت پذیری کودک می‌داند؛ و در خانواده نیز مادر به واسطه برخورداری بیشتر از عواطف انسانی و به دلیل سپری کردن اوقات بیشتر با کودک و... اثربخشی بیشتری بر تربیت کودک داشته و مسئولیت بیشتری نیز در تربیت کودک بر عهده دارد.

با توجه به این نکته که در ادبیات به کاررفته در قرآن مجید بیشترین پیوند، با مسئله‌ی تعلیم و تربیت دیده می‌شود و در کلیه مراحل تعلیم و تربیت، به‌خصوص تربیت فرزند، امکان استفاده و بهره‌گیری از مفاهیم و آموزه‌های ناب تربیتی قرآن مجید وجود دارد، بنابراین به صراحت می‌توان گفت که مادران با آشنایی با مفاهیم قرآنی و آموزه‌های اسلامی در حوزه تعلیم و تربیت، قادر

^{۸۱}. سوره غافر، آیه ۴۰

^{۸۲}. سوره نحل، آیه ۲۵

^{۸۳}. سوره طور، آیات ۱۱-۱۶

خواهند بود زمینه تعلیم و تربیت فرزندان را در خانواده در حوزه های مختلف شناختی، عاطفی و رفتاری فراهم کنند. در خصوص روش ها و شیوه های تربیت فرزند و عوامل موثر بر آن، به صراحت در متون اسلامی راهکارهایی مبتنی بر آیات قرآن مجید و سیره ائمه مکرم اسلام علیهم السلام ارائه شده است.

انتخاب شیوه ها و روش های صحیح تربیت فرزندان، می تواند نشأت گرفته از افزایش سطح آشنایی مادران نسبت به علوم و معارف قرآن مجید و بهره گیری از سیره عملی و روایات ائمه مکرم اسلام علیهم السلام بوده و سبب شناسایی بیشتر ابعاد مختلف و تربیتی گردد. افزایش تحقیقات قرآنی و روایات تربیتی ائمه مکرم اسلام علیهم السلام و برنامه ریزی های هدفمند مادران در زمینه افزایش سطح آگاهی های تربیتی کودکان می تواند با بررسی دستورات صریح قرآن در واگذاری تربیت فرزندان به مادر و ارائه الگوهای موفق مادران مربی در قرآن مجید از جمله مادر مریم، مادر عیسی (ع) و مادر موسی (ع) شروع و در حوزه های مهم شناختی، عاطفی و رفتاری به مرحله اجرا درآید.

حوزه شناختی در حقیقت سطح تشخیص سره از ناسره و درست از غلط می باشد که با بهره گیری از عقل و تفکر انجام می گیرد. حوزه عاطفی به نوعی از نعمت ها و نیروهای فطری انسان بهره می برد و با احساسات و عواطف و گرایشات به خوبی ها و بدی ها سروکار دارد. حوزه رفتاری نیز تحقق عملی اهداف و نیات و پیاده سازی تفکرات در حوزه عمل می باشد.

کودکان با تربیت صحیح و مبتنی بر آموزه های اسلامی و با بهره گیری از روش های درست تربیتی، به مرور زمان و به طور تدریجی و آهسته به اهداف تربیتی نائل می گردند. از این رو در تربیت کودک باید بسیاری از شرایط و ظرفیت های کودک، مد نظر قرار گیرد.

از جمله این شرایط می توان به کم بودن ظرفیت تحمل کودک، و نیاز شدید وی به محبت و مهرورزی و لزوم برخورد نرم و مدارای زیاد با آنان اشاره کرد.

از آنجایی که نرمی و مدارا از جمله روش های برتر برای نفوذ مادر در قلب کودک می باشد، لذا بسیار مورد توجه است. انسان در دوران کودکی به برخورد مهربانانه و سهل گیری بیشتری نیاز دارد لذا شایسته است مادران باید برای موفقیت در عرصه تربیت فرزندان، روش های آسان گیری نسبت به کودک را در صدر برنامه های خود قرار دهد. از طرف دیگر مادر مؤمن و آشنا با مفاهیم قرآنی باید بر مبنای اصل ایجاد شرایط، درصدد زودن و از بین بردن بسترها و عوامل انحراف انگیز و زمینه های مساعدکننده تربیتی برای کودک خود باشد. مادر با رفتارها و برنامه ریزی های تربیتی خود نقش مهمی در میزان سعادت، خوشبختی یا تیره بختی فرزند خود دارد. از این رو مادر باید در دوران کودکی فرزند، که آگاهی کمتری نسبت به سایر مراحل رشد دارد، با برنامه ریزی های تربیتی متنوع در صدد ایجاد شرایط و راهکارهای علمی، فرزندان خود را بر انجام اعمال و ارزش های اخلاقی تشویق کند و با این روش زمینه تربیت صحیح را در او فراهم کند.

با توجه به مطالب ارائه شده در این پژوهش روش های تربیتی مادر به سه بخش شناختی، رفتاری و عاطفی تقسیم می شوند:

۱. روش های تربیتی - شناختی مادر از نگاه آیات و روایات مبتنی بر اصولی است که عبارتند از:

الف. اصل تعقل: از جمله اهداف مورد نظر مادران مؤمن و آشنا با مفاهیم قرآنی در تربیت کودک، امر به تعقل و تفکر و شکوفاسازی فطرت الهی در کودک و رشد استعدادهای درونی او در حیطه شناختی است؛ بنابراین مادر مؤمن و آشنا با مفاهیم قرآنی با مطالعه علوم تربیتی مبتنی بر مبانی قرآنی و ک کاربرد وی کردن آن در زندگی، قادر خواهد بود، مسیر تربیت کودک را به شکل صحیح بپیماید، زیرا پایه و اساس نظام تربیتی اسلام بر تعقل و فهم استوار است. از طرف دیگر تأسی به شیوه های تربیتی ائمه معصومین علیهم السلام، می تواند موقعیت بسیار ایده آلی را در اختیار مادران قرار دهد.

ب. اصل عزت بخشی به کودک: تکریم و احترام کودک سبب افزایش عزت نفس در او می گردد؛ زیرا کودک به نیز به حکم کرامت داشتن انسان، عزیز است و باید عزت او حفظ شده و افزایش یابد.

از این رو از مادر مؤمن و آشنا با مفاهیم قرآنی انتظار می رود برای افزایش سطح عزت مندی فرزند خود، تا حد ممکن کودک خود را محترم بشمارد و هرگز او را تحقیر نکند. در این صورت استعدادهای وی شکوفا شده و شخصیت وی رشد می کند.

ج. اصل مسئولیت: از دیدگاه اسلام، مادران مسئول تربیت کودکان قلمداد می گردند. لذا اصل مسئولیت پذیری و گسترش آن در کودک، از جمله موضوعات بسیار مهمی است که مادران به آن سفارش شده اند. این اصل سبب موفقیت در تربیت کودک می گردد و در نتیجه موفقیت کودک در زندگی دنیوی اخروی خود می گردد. لذ مادر مؤمن و آشنا با مفاهیم قرآنی، باید کودک خود را متوجه مسئولیت و وظایف خود رد قبال دیگران و اطرافیان بنماید. تا وی در بزرگسالی نیز مسئولیت پذیر باشد.

د. اصل تذکر و یادآوری: این اصل از قرآن مجید گرفته شده و بر اساس غفلت از خداوند پایه ریزی شده است. اصل تذکر از جمله اساسی ترین اصول تربیتی است که مادر مؤمن و آشنا با مفاهیم قرآنی، می تواند از آن در مسیر هدایت و ارشاد فرزند خویش بهره برداری کند. این اصل از اصول غفلت زا است. لذا مادر با آگاهی و اطلاع از جنبه های گوناگون اصل تذکر، به سطحی می رسد که با گفتار و رفتار خود سبب هوشیاری کودک می گردد.

ه. اصل عدل و مساوات در تربیت کودک: اصل عدل مانع از برخورد یکسان با کودکان متفاوت می گردد. بر اساس اصل عدل، نوع برخورد مادران و مربیان تربیتی، در دوره های مختلف زندگی کودک باید متفاوت باشد. این اصل سبب تعدیل در رابطه تربیتی مادر با کودک می گردد.

بنابراین در سایه عمل به عدل و مساوات است که مادر مؤمن و آشنا با مفاهیم قرآنی، بهتر و سریع تر می تواند به اهداف تربیتی خود نائل شود.

۲. روش های تربیتی - رفتاری مادر از نگاه آیات و روایات مبتنی بر اصولی است که عبارتند از:

الف. اصل عزت نفس و عزت بخشی به کودک: مادر مؤمن و آشنا با مفاهیم قرآنی، باید در حوزه رفتار بر این باور باشد که علل و عوامل بسیاری از ناکامی ها و شکست ها در حقارت و عدم پرورش عزت نفس می باشد. لذا عزت بخشی به کودک می تواند راهکار بسیار مهم و مؤثری در اصلاح رفتار کودک و حتی جامعه باشد.

ب. اصل تأثیر ظاهر در باطن: این اصل بر این نکته تأکید دارد که ظاهر هر فرد می تواند تأثیرات زیادی بر باطن وی داشته باشد؛ بنابراین مادر مؤمن و آشنا با مفاهیم قرآنی، باید ظاهر کودک خود توجه نماید و مجموعه ظواهر کودک را به گونه ای طراحی و برنامه ریزی کند که در باطن او سبب بروز تحولات مفید و گسترده ای گردد.

ج. اصل زیبایی و آراستگی: اصل آراستگی حاکی از این مطلب تربیتی است که آراستگی و زیبایی ظاهری می تواند سبب میل و رغبت گسترده گردد. لذا مفهوم تزئین به این اصل ارتباط دارد. طبق این اصل روابط میان مربی و متربی و آنچه در این ارتباط عرضه می شود، باید با وضعیتی زیبا و آراسته پرداخته شود و خلاصه اینکه کلام خوب در ظرف و قالب خوب تبیین شود.

د. اصل فضل: در این اصل، جذبه احسان در انسان به عنوان ویژگی مبنایی در نظر گرفته شده است، این ویژگی بیانگر آن بود که نیکی و احسان بر انسان مؤثر می افتد و حتی قدرت مهار کردن بدکرداری او را نیز دارد.

ه. اصل اصلاح شرایط (ایجاد محیط مساعد تربیتی): انسان موجودی است که از پدیده های مختلف پیرامون خود؛ اعم از دوستان، والدین، حاکمان، همسایگان، زیبایی، ثروت، فقر، زمان و مکان مختلف، اوضاع و احوال جوی و... تأثیر می پذیرد. با عنایت به این

مینا (تأثیرپذیری انسان)، باید زمینه‌ای را فراهم ساخته شود که عوامل منحرف کننده تربیتی از تربیت دینی، از سر راه برداشته و عوامل مؤثر بر تربیت دینی در کودک ایجاد شود.

و. اصل مسامحت: انسان به خاطر ضعف نفسی که دارد در برابر تکالیف فرو می‌شکند بنابراین اصل مسامحت برای او مراعات می‌شود. خداوند اساس تکالیف را بر سهولت و قابلیت نیل قرار داده است.

۳. روش‌های تربیتی - عاطفی مادر نیز از نگاه آیات و روایات مبتنی بر اصولی است که عبارت است از اصل بروز دادن یا منع محبت به کودک.

مادر مؤمن و آشنا با مفاهیم قرآنی، در زمینه بهره‌گیری از اصول و روش‌های تربیتی، می‌تواند از اصل بسیار کاربردی بروز دادن و منع محبت در رشد اخلاقی کودک خود بهره گیرد. به این خاطر که اصل بروز دادن و منع محبت ریشه در اساسی‌ترین نیازهای کودک دارد. لذا مادر، باید توجه داشته باشد که ارضای نیازهای عاطفی کودک، سبب ایجاد آرامش و افزایش میزان اعتماد به نفس در او می‌شود. به طوری که برآورده نکردن نیازهای عاطفی کودک سبب از دست رفتن آرامش کودک و احساس حقارت و... در کودک می‌گردد. بر این اساس، مادر باید در سرلوحه به‌کارگیری روش‌های تربیتی و رشد کودک خود، به این نیاز عاطفی به عنوان زیربنای تربیت بنگرد و در طول دوران تربیت آن را به عنوان راهنمای عمل، سرلوحه اصول و روش‌های تربیتی خود قرار دهد.

منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. بابازاده، علی اکبر (۱۳۷۶)، تحلیل سیره فاطمه زهرا سلام الله علیها، قم: انتشارات انصاریان، چاپ دوم.
۴. باقری، خسرو (۱۳۷۴)، نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ سوم. تهران: انتشارات مدرسه.
۵. جعفری، محمدتقی (۱۳۶۲)، شناخت انسان در تصعید حیات تکاملی، تهران: نشر امیر کبیر.
۶. جلیلی، محمدرضا (۱۳۸۴)، جایگاه زن در خانواده و اجتماع در اسلام و یهودیت، تهران: انتشارات دستان، چاپ دوم.
۷. جمشیدی، اسدالله و دیگران (۱۳۸۵)، جستاری در هستی‌شناسی زن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۳)، تفسیر موضوعی قرآن مجید، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول.
۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۷)، وسائل الشیعه، ج ۲۰، چاپ ششم، تهران: انتشارات اسلامی.
۱۰. حسینی، نعمت‌الله (۱۳۸۳)، آیین خانواده، قم: انتشارات عصر انقلاب.
۱۱. حسینی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۷۳)، مباحثی چند پیرامون مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم.
۱۲. حسینی‌زاده، سیدعلی (۱۳۸۰)، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.
۱۳. خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، سیمای زن در کلام امام خمینی (ره)، پیام به مناسبت میلاد حضرت فاطمه و روز زن (۲۸ / ۱ / ۶۱)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. خیری یوسف، نعمتی جواد، ساجدی اکبر (۱۳۹۹)، نقش مادر در تربیت کودک از منظر آموزه‌های اسلامی. علوم اسلامی انسانی.
۱۵. سادات، محمدعلی (۱۳۶۱)، خصوصیات روح زن، چاپ سوم، تهران: انتشارات نهضت زنان مسلمان.
۱۶. ساوجی، مریم (۱۳۷۱)، اختلاف حقوقی زن و مرد در اسلام و خانواده، تهران: انتشارات مجرب، چاپ اول.
۱۷. شکوهی، غلامحسین (۱۳۷۴)، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد: آستان قدس رضوی.

۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین (بی تا)، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران: دفتر انتشارات اسلامی
۱۹. عباسی مقدم، مصطفی (۱۳۷۹)، اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی آنان، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۲۰. فاضلی مهرآبادی، مهدی و صابکی، معصومه (۱۳۹۹)، واکاوی چگونگی نقش مادر در تربیت دینی فرزندان از دیدگاه روانشناسی و قرآن، پنجمین همایش بین المللی افق های نوین در علوم تربیتی، روانشناسی و آسیب های اجتماعی، تهران.
۲۱. فهیمه کومانی، مرتضی (۱۳۷۴)، چهره زن در آیین اسلام و قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم
۲۲. قائمی، علی (۱۳۸۶)، نقش مادر در تربیت، تهران: انتشارات امیری.
۲۳. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، قم: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ دهم.
۲۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹)، میزان الحکمه، قم: دارالحدیث.
۲۵. محمودی، عباسعلی (۱۳۷۸)، پژوهشی قرآنی، فقهی و حقوقی درباره مرد و زن، تهران: نشر مطهر، چاپ اول.
۲۶. مدرسی، سید محمد تقی (۱۳۷۸)، تفسیر هدایت، ترجمه عبدالمحمد آیتی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۲۷. مزیدی، محمد؛ شیخ الاسلامی، راضیه (۱۳۸۸)، مبانی وجودشناختی و انسان شناختی روش های تربیتی انسان از دیدگاه قرآن و سیره پیامبر اعظم (ص)، اسلام و پژوهش های تربیتی، سال اول، بهار و تابستان ۸۸، شماره ۱.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، چ سیزدهم.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۳)، تفسیر نمونه، دارالکتب اسلامی، چاپ چهاردهم.
۳۰. ملکوتی، ثریا و مریم صانع پور (۱۳۷۴)، بررسی تاریخ منزلت زن از دیدگاه اسلام، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۳۱. موسوی، ولی الله (۱۳۷۳)، سیمای انسان آرمانی، رشت: جهاد دانشگاهی دانشگاه گیلان.
۳۲. هاشمی، حسین (۱۳۸۶)، قرآن و نقش تربیتی مادر در خانواده، نشریه پژوهشهای قرآنی، شماره ۴۹ و ۵۰، ویژه نامه قرآن و خانواده.